

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رفیق الحیة

کاروان دختران اربعین ساز





# رفيق الجنة





# کاروان دختران اربعین ساز



## جبهه دختران حاج قاسم - شهریورماه ۱۴۰۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا».

پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) فرمود: «برای شهادت حسین (علیه السلام)، حرارت و گرمایی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود».

باز محرم رو به پایان رفت و بوی بهشت از اربعین وزیدن گرفت و حسینیان با شعار «حب الحسین (علیه السلام) یجمعنا» پای در جاده های عشق منتهی به کربلا می گذارند و حماسه های جدید ثبت خواهند نمود.

زیارت و پیاده روی اربعین هرچند تاریخچه ثبت شده ای غنی ندارد، ولی چون به حماسه های پر از ایثار و شهادت و مقاومت و درس های آموزنده متکی است، لذا از آینده ای درخشان و پربار و تحول آفرین خبر می دهد.

پیاده روی اربعین، مانند خود عاشورا، از گوناگونی افراد زن و مرد، کودک و نوجوان، پیر و جوان، سیاه و سفید و از ملل مختلف برخوردار است.



## مقدمه

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «کسی که به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) از منزلش خارج شود، اگر پیاده باشد، خداوند بابت هر قدمی که برای زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) برمی‌دارد، یک حسنه می‌نویسد و یک گناه از او برمی‌دارد. وقتی که به حرم می‌رسد، خداوند او را جزء صالحین برگزیده می‌نویسد و وقتی زیارت او تمام شد، خداوند نام او را جزء رستگاران قرار می‌دهد.»

پیاده به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفتن موضوعیت دارد و پشت این حرکت عظیم که هر ساله اتفاق می‌افتد، فلسفه‌ای قرار گرفته است. همواره آیین‌ها و ادیان مختلف با هدف همبستگی میان پیروان و هویت‌بخشی به جریان اجتماعی خود، ایامی را در سال مشخص کرده و پیروان خویش را ملزم به شرکت در این اجتماعات می‌کنند. یکی از آثار این‌گونه تجمعات، نمود جهانی و به نوعی تبلیغ آن جریان اجتماعی است که معمولاً در جامعه جهانی تأثیرگذار است. به فرموده مقام معظم رهبری، خلا وجود اجتماعی عظیم و بین‌المللی در میان شیعیان را حضور میلیونی در ایام اربعین پر می‌کند. کربلا می‌تواند «نماد» تبلور وحدت و بیعت با امام باشد که «نمود»ی جهانی خواهد داشت. شروع جاذبه مغناطیس حسینی در روز اربعین است،









فصل اول



فصل چہستی



### ثواب زیارت اربعین

بنا به فرموده امام عسکری (علیه السلام)، یکی از نشانه‌های مؤمن - که در این روایت مقصود شیعه است - زیارت سیدالشهدا در روز اربعین می‌باشد؛ زیارتی که با پای پیاده رفتن آن هم «موضوعیت» دارد. چرا که امام صادق (علیه السلام) به یکی از دوستان خود می‌فرماید: «قبر حسین (علیه السلام) را زیارت کن و ترک مکن.» پرسیدم: «ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟» حضرت فرمود: «کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود، خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد.»



## فلسفه اربعین

مروری گذرا بر روایات پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) به خوبی نشان می‌دهد که از منظر فرهنگ ناب شیعه، زیارت امام حسین (علیه السلام)، گریه و سوگواری بر مصائب آن امام و بزرگداشت ایام شهادت آن حضرت و یاران مظلومش، از جایگاه بلند و برجسته‌ای برخوردار است. روایات معتبر اسلامی از اهمیت این مسئله و تأکید پیشوایان دین بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره جان‌بازی‌های شهیدان کربلا حکایت می‌کند. تعبیری که در روایات ما در این باره وارد شده و پاداش‌های گوناگونی که بر این امر مژده داده شده است، بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خداوند خیر هر کس را بخواهد، دوستی امام حسین و دوستی زیارت او را در دلش می‌افکند و برای هر کس بد بخواهد، بغض امام حسین و بغض زیارت او را در قلبش قرار می‌دهد.»

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «هر کس اباعبدالله را در کنار نهر فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است.»

محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند چه برکاتی در زیارت امام حسین (علیه السلام) نهفته است، از اشتیاق زیارت او می‌مردند و نفس‌هایشان از حسرت به شماره می‌افتاد!» گفتم مگر چه برکاتی در زیارت امام حسین (علیه السلام) نهفته است؟ امام (علیه السلام) فرمود: «هر کس امام حسین (علیه السلام) را از روی اشتیاق زیارت کند، خداوند پاداش هزار حج مقبول و هزار عمر پاکیزه و پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و پاداش هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه مقبول و پاداش آزادی بنده‌ای که برای خدا آزاد شده باشد، برای او مقرر می‌فرماید!»



روایات اهل بیت (علیهم السلام) در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) از راه دور و نزدیک در حد تواتر معنوی و دست کم در حد روایات مستفیض است. این امر جای شکی باقی نمی‌گذارد که زیارت آن امام همام از اعظم قربات الی الله است و هیچ عمل مستحبی در فضیلت به پای آن نمی‌رسد. امامان اهل بیت (علیهم السلام) هم در گفتار و هم در رفتار بر این موضوع مهم تأکید کرده‌اند. آن بزرگواران از هر فرصت و به هر بهانه‌ای بهره می‌جستند تا یاد و خاطره حضرت سیدالشهداء و اصحابش، زنده‌تر و پویاتر گردد و غبار گذر زمان و سایه سنگین دشمنی‌ها، بر آن ننشیند و نیفتد.

شاید یکی از عوامل برجسته‌شدن و اهمیت یافتن اربعین حسینی در میان دوستان اهل بیت (علیهم السلام) روایت مشهوری است که از امام عسکری (علیه السلام) نقل شده است: «علامات مؤمن (شیعه) پنج چیز است:

۱. ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز (۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله)
۲. زیارت اربعین
۳. قرار دادن انگشتر در دست راست
۴. پیشانی بر خاک مالیدن
۵. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز»

در این روایت، امام عسکری (علیه السلام) زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های شناخت شیعیان اهل بیت معرفی می‌کند. به راستی سرّ این امر چیست؟ ما در آموزه‌های شیعه کم عمل یا عقیده‌ای نداریم که بتوان آن را به عنوان علامت شیعه محسوب کرد. چرا در این میان بر زیارت اربعین انگشت نهاده شده است؟

توجه عمیق و جامع به حوادث عاشورا تا اربعین، می‌تواند تا حدی سرّ این امر را آشکار کند. اربعین، مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت (علیهم السلام)، کامل شدن رسالت حضرت زینب و امام سجاد (علیهما السلام) در رسوا ساختن یزیدیان و رساندن پیام خون سرخ حسین



به گمراهان کوفی و شامی است (چه اربعین را آغاز حرکت آن‌ها از شام بدانیم و چه زمان رسیدنشان به کربلا). اما از دیگر سو، اربعین مبدأ حرکت جوشنده و تمام‌ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی هم هست. از اربعین به این سو است که تمام همت و تلاش امامان اهل بیت و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین و ورود در مبارزهای فرهنگی بر علیه نظام ستمگر اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام‌های ستمگر در طول تاریخ است. پیام اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت‌های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون‌های پاک امام حسین و یاران قهرمانش، بهترین انرژی و سرمایه برای چنین مبارزه تمام‌ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

### پیاده‌روی اربعین، نماد شور و شعور شیعی

رسم پیاده‌روی از نجف تا کربلا، رسمی کهن در میان مردم عراق و مجاوران حرم علوی است. اما پیاده‌روی اربعین از حال و هوای خاصی برخوردار بوده و هست. چند سالی است که شیعیان و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) از سراسر جهان، به ویژه ایران اسلامی، همراه با شیعیان عراق در این مراسم باشکوه و معنوی شرکت می‌کنند و هر سال بر شکوه و تأثیرگذاری آن افزوده می‌شود. مسلماً چنین مراسم ساده ولی باشکوه و پر عظمت، از جنبه‌های گوناگون آثار و برکاتی را با خود به همراه داشته و دارد. با توجه به طولانی بودن مسیر نجف تا کربلا و مشقت زیادی که زائر امام حسین تحمل می‌کند و نیز هزینه‌های بسیاری که برای تأمین امنیت زائران و خدمات رفاهی صرف می‌شود، برخی از ساده‌اندیشان به خوردن انتقاد از آن واداشته شده‌اند. منتقدان از جنبه‌های گوناگونی به این مسئله پرداخته و توسعه‌ی چنین مراسمی را موجه نمی‌دانند. می‌گویند چرا



به رسم پیاده‌روی اربعین می‌پردازید و آن را به حماسه‌ای شیعی تبدیل می‌کنید؟! این امر می‌تواند به همبستگی و انسجام میان همه‌ی فرق اسلامی آسیب رساند و مانع وحدت امت اسلامی شود. می‌گویند پیاده‌روی از نجف تا کربلا مستلزم مشقت زیاد و رنج بدنی فراوان است؛ در حالی که در شریعت اسلامی، تحمل رنج بر بدن کار درستی تلقی نشده است!

چنین افرادی غافلند که اولاً پیاده‌روی ساده و خالصانه و به‌قصد زیارت امام حسین مخصوص شیعیان نیست و بسیاری از اهل سنت نیز در این مراسم شرکت می‌کنند. مراسم پیاده‌روی اربعین هرگز نمایش قدرت شیعه در برابر دیگر فرق اسلامی نبوده و نیست؛ بلکه نمایش قدرت جبهه‌ی حق در برابر ظلم جهانی است. ثانیاً در شریعت اسلامی، جواز و عدم جواز تحمل مشقت بر بدن، متوقف بر هدفی است که فرد مؤمن در نظر دارد و می‌خواهد با رفتار خود آن را محقق کند. اگر هدف فرد، هدفی مادی و دنیایی باشد، البته تحمل مشقت بیش از حد طاقت بر بدن، کاری ناروا و نامشروع است؛ اما اگر هدف، متعالی و مقصود، معنوی و بلندمرتبه و برای فرد و جامعه حیاتی باشد، تحمل مشقت بر بدن روا، بلکه گاه واجب است. کافی است به خود مسئله جهاد و شهادت در فرهنگ اسلامی توجه کنیم. جنگ و جهاد در راه خدا سهمگین‌ترین مشقت‌ها و رنج‌ها را بر بدن آدمی تحمیل می‌کند؛ مع‌الوصف، جهاد در راه خدا تا سر حد مرگ، امری واجب است (چه جهاد دفاعی و چه جهاد ابتدایی).

## زیارت اربعین در دیدگاه شیعه

خواندن زیارت اربعین، زیارت‌کردن امام حسین در روز اربعین و پاسداشت چنین روزی در میان شیعیان اهل‌بیت، یکی از برجسته‌ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می‌گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور



پر قدرتی را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی از خود نشان می‌دهد. اربعین آموزنده‌ی این تفکر الهی است که اگرچه باطل، مانند کفی بر روی آب ممکن است کوتاه‌زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق‌طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق‌طلبان خواهد بود. دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت‌خواهانه‌ی امام حسین علیه‌السلام به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل‌بیت را با احترام به‌سوی مدینه روانه ساخت. از این مبدأ به بعد، شاهد قیام‌ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ و آرام‌آرام زمینه‌ی نابودی آن را فراهم می‌کند. قیام توابین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی‌عبید ثقفی در امتداد همین خط پدید می‌آید و بر اندام حکومت جبار اموی لرزه می‌افکند. شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین و یارانش را فریاد می‌زند. اگرچه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می‌گرید و از جنایت‌هایی که بر اهل‌بیت رفته است، مویه می‌کند، اما در اربعین، نتیجه‌ی شهادت‌طلبی و جانبازی امام و اهل‌بیتش را به نظاره می‌نشیند. اربعین شایسته‌ی تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین ثمره‌ی عاشوراست و آنچه امام حسین در عاشورا آغاز کرد، در اربعین به بار می‌نشیند.







فصل دوم



فصل چرایی



## پیاده روی اربعین در سیره علما

مراسم پیاده روی کربلا در روز اربعین، از دیرباز در میان شیعیان و دوستداران اهل بیت (ع) اهمیت بسزایی داشته و علما و مراجع نیز همگام با مردم عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی در این مراسم معنوی شرکت می‌کنند. این پیاده روی از مسیرهای گوناگون انجام می‌شود که شلوغ‌ترین مسیر، راه سه‌روزه نجف به کربلاست. در طول تاریخ، علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به این پیاده روی و زیارت اربعین، نقش اساسی داشته‌اند و ضمن ارائه رهنمود، خود نیز در این مراسم شرکت کرده‌اند. علمایی چون آیات عظام ملکی تبریزی، بهجت، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سیستانی، وحید خراسانی و جوادی آملی با ذکر اهمیت برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم، به شرکت شیعیان در آن سفارش کرده‌اند؛ به طوری که از گذشته تاکنون، علمای بزرگ شیعه نیز در کنار مردم در مراسم پیاده روی و زیارت اربعین شرکت می‌کنند.

علاقه و اشتیاق به این مراسم معنوی در میان مراجع تقلید، استادان، طلاب و روحانیون حوزه علمیه نجف از شور و حال بیشتری برخوردار بوده است و اکثر استادان و حتی مراجع تقلید، از گذشته تاکنون در مراسم پیاده روی و زیارت اربعین شرکت کرده و می‌کنند؛ لذا مروری بر حضور علما و شخصیت‌های تاریخی موضوع نوشتار است.

مراسم پیاده روی در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری باشکوه تمام رواج داشته است. در حالی که پس از وی، این عمل، متعلق به طبقه فقرا و نیازمندان معرفی شد، ولی محدث نوری آن را احیا کرد. این مراسم در دوره‌های مختلف تاریخی استمرار داشته و حتی در دوره دیکتاتوری صدام حسین نیز به صورت مخفیانه برگزار می‌شده است. بنا بر روایتی از حضرت امام حسن عسکری (ع) که شیخ طوسی



نقل کرده است، برگزاری این مراسم یکی از نشانه‌های مؤمن بوده و جابر بن عبدالله انصاری صحابه گران قدر پیامبر اکرم (ص) اولین زائر قبر مطهر حضرت امام حسین (ع) بوده و اولین کسی است که مراسم راهپیمایی اربعین را به جا آورده است.

راهپیمایی اربعین از دیرباز مورد تأیید و تأکید علما و فقهای شیعه بوده و اکثر آنها در این مراسم شرکت کرده‌اند. در این راستا، حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز طبق روال سال‌های قبل (دوشنبه ۹ آذر ۱۳۹۴) در جلسه درس خارج فقه، پدیده بی‌نظیر و حرکت عظیم و پرمعنای راهپیمایی اربعین حسینی علیه السلام را حسنه‌ای ماندگار خواندند و گفتند: ترکیب «عشق و ایمان» و «عقل و عاطفه» از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مکتب اهل بیت علیهم السلام است و حرکت عاشقانه و مؤمنانه مردم از کشورهای مختلف جهان در این پدیده بی‌سابقه، بدون تردید از جمله شعائر الهی است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به بزرگواری و محبت مردم عراق در پذیرایی از زائران اربعین، به کسانی که توفیق حضور در این حرکت پر معنا و پر مغز را پیدا کرده‌اند توصیه کردند این فرصت را مغتنم بشمارند و افزودند: «ما نیز از دور به حال زائران اربعین غبطه می‌خوریم و آرزو می‌کنیم ای کاش همراه شما بودیم.»

## شیخ میرزا حسین نوری

بسیاری‌ها شیخ میرزا حسین نوری را احیاکننده مراسم راهپیمایی اربعین حسینی در تاریخ معاصر می‌دانند. حسین محدث نوری فرزند محمدتقی محدث نوری مازندرانی مؤلف کتاب «مستدرک الوسائل» و از چهره‌های سرشناس علمای شیعه در قرن چهاردهم هجری بود. بنا بر اذعان بسیاری‌ها، این مراسم در دوره این بزرگوار به فراموشی سپرده شده بود که توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می‌شود. این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده‌روی از نجف تا کربلا اقدام می‌کند که ۳ روز در راه بوده و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیان وی را همراهی می‌کرده‌اند. بنا بر نوشته‌های تاریخی، شیخ بزرگوار تقریباً هر سال این مراسم را انجام می‌داد و اهمیت خاصی به این مراسم قائل بود. ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم أباعبدالله حسین (ع) رفته است.

گفته می‌شود مراسم پیاده‌روی در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۹۸ق) نیز باشکوه تمام رواج داشته است. در حالی که پس از وی، این عمل کم‌ارزش و متعلق به طبقه فقرا و نیازمندان معرفی شد، اما میرزا حسین نوری این مراسم را در میان مردم رونق بخشید. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده، می‌نویسد:

استاد ما چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خدایسندانه (پیاده‌روی) همت گماشت و به آن ملتزم گشت و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر، حیوان کرایه می‌کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده‌راه می‌رفتند و او به دلیل ضعف مزاج، نمی‌توانست مسافت بین نجف — کربلا را با گذراندن یک شب طی کند؛ همان‌طور که رسم چنین بود؛ بنابراین، سه شب در راه بودند و بر اثر این اقدام، در سال‌های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و



دیگر عار محسوب نمی‌شد؛ به طوری که در برخی سال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راه‌پیمایان به سی عدد می‌رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه دوباره مرسوم شد و رونق گرفت.

## میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

با قدم بزرگی که میرزا حسین نوری انجام داد، مراسم راهپیمایی اربعین دوباره برقرار شد و از آن‌پس، بسیاری از عاشقان اهل بیت و امام حسین (ع) و نیز برخی علما و حتی مراجع تقلید با پای پیاده به کربلا سفر کرده‌اند. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع عالی‌قدر جهان تشیع است که خود بارها با پای پیاده از نجف رهسپار کربلا شده است. ایشان در رابطه با بزرگداشت روز اربعین حسینی می‌فرمایند: «به هر روی، بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش (ع) زیارت کند، هر چند تنها یک‌بار در تمام عمرش باشد، چنان‌که حدیث شریف، علامت‌های مؤمن را پنج امر ذکر کرده است: ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز، زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و بلند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم گفتن در نمازها.»

حجت الاسلام والمسلمین محتشمی می‌نویسد:

از نجف، غیر از مردم عادی و معمولی، علما، فضلا و طلاب و حتی برخی از مراجع مثل آیت الله شاهرودی و دیگران (تا زمانی که توان پیاده روی داشتند) نیز دسته دسته و گروه گروه، عازم کربلا می‌شدند. حوزه نجف دارای چند قافله رسمی معروف و بزرگ بود. در این قافله‌ها، حدود چهل تا پنجاه نفر عضو ثابت بودند و تعدادی هم در هر مرتبه به آنان اضافه می‌شدند. برخی از کاروان‌ها مخصوص و مربوط به بیوت مراجع یا مدارس نجف بود؛ مثل کاروان بیت آیت الله شاهرودی یا کاروان مدرسه قزوینی‌ها که در چنین کاروان‌هایی معمولاً



فرد غریبه وجود نداشت؛ ولی یکی دو قافله معتبر بودند که طلاب علاقه مند، اغلب با آنها سفر می‌کردند: یکی قافله منسوب به شهید محراب، حضرت آیت الله مدنی (ره) که با توجه به روحیات عارفانه و خصوصیات اخلاقی وی، بسیاری از طلاب وارسته سعی می‌کردند در محضر او باشند، و دیگری قافله آقای شیخ محمدعلی حلیمی کاشانی که از مدرسه مرحوم آیت الله بروجرودی (ره) حرکت می‌کرد و مرحوم آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی (ره) با این قافله به کربلا مشرف می‌شد. آقای حلیمی از علاقه‌مندان فداییان اسلام، شهید نواب و حضرت امام بود.

### ۱. کاروان شهید آیت الله مدنی (ره)

شهید محراب آیت الله سید اسدالله مدنی، از استادان سرشناس حوزه نجف، یکی دیگر از عاشقان همیشگی مراسم پیاده‌روی نجف - کربلا و زیارت حرم اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش، به‌خصوص در روز اربعین بود. عالمان و استادان حوزه علمیه نجف خاطرات خوشی از این شهید بزرگ در این مراسم باشکوه معنوی دارند. حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از همراهان وی، در یکی از این سفرها می‌گوید:

یک سال که ماه ذی‌حجه مصادف با زمستان بسیار سردی بود، همراه شهید آیت الله مدنی از نجف عازم کربلا شدیم تا در روز عرفه به زیارت امام حسین (ع) مشرف شویم. در این سفر مرحوم شیخ علی حجتی کرمانی و مرحوم شیخ احمد کافی نیز آقای مدنی را همراهی می‌کردند. ما چند فرسخی رفتیم تا به یکی از روستاهای عشایرنشین رسیدیم. سپس شخص عربی جلو آمد و از آیت الله مدنی استقبال کرد و به او احترام گذاشت و وی و همراهان را به مضیف خود دعوت کرد؛ زیرا همه، به‌ویژه سران و شیوخ عشایر، او را به‌خوبی می‌شناختند و احترام زیادی برایش قائل بودند. ما شب را همان جا استراحت کردیم





و فردا صبح به راه خود ادامه دادیم تا به شهر طویرج در ۲۰ کیلومتری اطراف کربلا رسیدیم.

در طول مسیر، هر جا که برای استراحت توقف می‌کردیم، آقای مدنی چند حدیث می‌خواند و نکاتی اخلاقی می‌گفت و گاهی یک بحث علمی مطرح می‌کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشت و شروع به صحبت کرد. نخست در فضیلت زیارت امام حسین (ع) سخنی گفت و حرم امام را به کعبه آمال و آرزوها تشبیه کرد و بعد فرمود: «از این جا تا حرم را خوب است به‌صورت پابرهنه و هروله‌کنان ادامه بدهیم.» با اینکه او درد پا و کسالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه «إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می‌شود، هروله‌کنان می‌خواند و جلو می‌رفت و ما نیز به دنبالش جواب می‌دادیم. وقتی وارد شهر کربلا شدیم، شهید مدنی فرمود: «باید با همین حال خسته و پای آبله‌زده به حرم مشرف شویم» و باز خودش جلو افتاد و با حالت گریه و فریاد «یا حسین» حرکت کرد و ما نیز به دنبالش حرکت می‌کردیم و با همین حال، وارد حرم حسینی شدیم. در این حال، مراسم زیارت را مرحوم کافی بر عهده گرفت و با اشعار و نوحه‌خوانی جان گذار، همه را به فیض رساند.

## ۲. کاروان بیت آیت الله شاهرودی

در میان مراجع تقلید، حضور آیت‌الله‌العظمی سید محمود شاهرودی، زبانزد همگان بود. معروف است که وی در این مراسم، نخست با پای پیاده از نجف خارج می‌شد و به‌سوی کربلا حرکت می‌کرد و سپس سایر آقایان، استادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می‌افتادند و وقتی مراسم زیارت تمام می‌شد، بیشتر زائران از کربلا سوار وسیله نقلیه می‌شدند و به نجف بازمی‌گشتند؛ اما آیت‌الله شاهرودی در بازگشت هم پیاده به نجف بازمی‌گشت. معروف است که این مرجع بزرگ، چهل سفر با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) مشرف شده است.



### ۳. پیاده‌روی حاج‌آقا مصطفی خمینی (ره)

آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی نیز از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده‌روی حضوری پیوسته و جدی داشت. او مقید بود که در تمام ایام زیارت‌های مخصوص امام حسین (ع) (اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و به‌خصوص اربعین) پیاده از نجف به کربلا برود و در میان راه، گاهی کف پایش تاول می‌زد و زخمی می‌شد؛ ولی باز هم با شورش و شوق تمام، به راه خود ادامه می‌داد و اصرار دوستان را برای سوارشدن به وسیله نقلیه، حتی در قسمتی از راه نمی‌پذیرفت. وقتی به نزدیک کربلا می‌رسید و نگاهی به گنبد و گلدسته‌های حرم امام حسین (ع) و پرچم سرخ‌رنگ آن می‌افتاد، بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شد و مصیبت اهل‌بیت (ع) را زمزمه می‌کرد و به سر و سینه می‌زد و عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کرد. وی در این سفر، بدون توجه به این‌که فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی (ره) است، مانند یک طلبه ساده در خدمت هم‌سفران بود و از کمک به آنان دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت. مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن قدیری که در یکی از سفرها همراه او بود، می‌گوید:

یک‌بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج‌آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آنجا ماندیم. دوستان همه دور حاج‌آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک‌رشته از علوم حوزوی سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد. سؤالات بسیاری از فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، عرفان و اخلاق از وی پرسیده شد که حدود چهار ساعت به طول انجامید و حاج‌آقا مصطفی بدون این‌که مطالعه و مراجعه به کتابی کند، همه را کامل جواب داد که من بسیار متعجب شدم که او این‌قدر با استعداد است.





آقای محتشمی می گوید:

در اوقات صبح، ظهر و شام، نماز به امامت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (ره) اقامه می شد و شب هنگام، پس از نماز مغرب و عشاء، دعای توسل و زیارت عاشورا خوانده می شد. اگر شب جمعه در راه بودیم، دعای کمیل و ذکر مصیبت توسط دوستان انجام می گرفت. از خصوصیات مرحوم حاج آقا مصطفی این بود که هر شب، قبل از اذان صبح برمی خواست و به نماز شب می پرداخت. او بسیار خوش مشرب و خوش مسافرت بود و در سفرها با همراهان دوست و رفیق بود و همواره سعی می کرد به کسی سخت نگذرد و مواظب بود کسی عقب نیافتد و جا نماند. در جلسات گفت و شنودی که اغلب شب ها رفقای همسفر دور هم جمع می شدند، از هر دری سخنی به میان می آمد و حاج آقا مصطفی پیوسته متذکر بود و زیر لب اذکاری را زمزمه می کرد. در تابستان ها به علت گرمی طاقت فرسای هوا، بعد از اذان صبح حرکت می کردیم و تا دو سه ساعت بعد از طلوع آفتاب راه می رفتیم؛ سپس در محلی توقف می کردیم و صبحانه و نهار در همان جا صرف می شد و عصر که مقداری از گرمای هوا کاسته می شد، باز حرکت از سر گرفته می شد.

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید تقی درچه ای نیز می گوید:

چندین بار همراه آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی از نجف پیاده به سوی کربلا رفتیم و گاهی سه تا چهار روز، حدود ۲۰ فرسخ در راه بودیم. ما مسیر را از خیابان با وجود کوتاهی راه، به دلیل آفتابی بودن، تغییر داده، از کنار دجله و فرات و داخل نخلستان ها که واقعاً باصفا بود، می رفتیم. در این سفرها دوستانی چون آقایان اسلامی، علیان، احسانی، کیانی، حلیمی کاشانی، آقای مجتبی قائمی، آقای حاج آقا نصرالله شاه آبادی و آقای رضوانی که در حال حاضر امام جماعت مسجد حاج سید عزیزالله هستند، همراه بودند. حاج آقا مصطفی با پای برهنه و حتی بدون جوراب حرکت می کرد و از هر کس مختصر

صدایی داشت، می‌خواست اشعاری را در مقام و عظمت امام حسین (ع) بخواند و با شنیدن این اشعار، خودش طوری منقلب می‌شد که از شدت گریه در حال حرکت، تندتر می‌دوید. من خودم به یاد دارم، وقتی به دجله می‌رسیدیم و زیر آن درختان سرسبز، که در آن ایام شاداب‌تر از همیشه بودند، می‌نشستیم، از حال و هوای دوستان، از شدت گرما، حالتی ایجاد می‌شد که بر سر و سینه می‌زدیم و یاد عاشورا و مصیبت امام حسین (ع) و یارانش را زنده می‌کردیم. وقتی به سمت کربلا می‌رفتیم، اشعار حافظ و خواجه‌الشعراء را باحال و هوای کربلا، از لب می‌خواندیم. در یکی از سفرها، ما به حدود سه کیلومتری کربلا که رسیدیم، از شدت شوق و گریه، نمی‌توانستیم دیگر به راحتی ادامه دهیم.

سفر برای ما به قدری با ارزش و معنوی بود که چند بار در این سفر، آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی همیشه دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی را همراه داشت و وقتی کنار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود می‌رسیدیم، او به اسم کوچک مرا صدا می‌زد تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کرد. در طی چند کیلومتر من زمزمه می‌کردم و جمع دوستان، به‌خصوص حاج‌آقا مصطفی، گریه می‌کردند. ناگهان یکی از دوستان چشمش به گنبد مطهر حضرت امام حسین (ع) می‌افتاد و به دنبال آن، موج شوق و گریه در میان جمع بلند می‌شد.

حالت عجیبی داشتیم. پاهای برهنه و تاول‌زده و خون‌آلود، خسته و تشنه، زیر برق آفتاب سوزان و پرچمی سرخ به رنگ خون، ما را به حال و هوای کربلا و ظهر عاشورا می‌برد. شدت گریه‌ها به حدی بالا می‌رفت که همگی نشسته و دیگر نمی‌توانستیم به راه خود ادامه دهیم. جالب بود که مردم روستاها و شهرهای مسیر، به‌ویژه روستای چفل، همه حاج‌آقا مصطفی خمینی را شناخته بودند که فرزند آقای خمینی (ره) است. یک‌بار قبل از ورود به چفل، متوجه شدیم که حدود ۲۰ نفر



به سمت ما در حرکت‌اند. کمی که نزدیک‌تر شدیم، فهمیدیم که آنها برای استقبال از حاج‌آقا مصطفی آمده‌اند. استقبال عده‌ای از شیوخ و بزرگان آن شهر برای من جالب بود. استقبال‌کنندگان همه دست حاج‌آقا مصطفی را بوسیده و با بقیه هم احوالپرسی کردند و پشت سر حاج‌آقا مصطفی راه افتادند. او در جلو و ما هم به دنبال او با استقبال خاصی وارد حسینه چفل شدیم و از ما پذیرایی کردند. باوجوداینکه حاج‌آقا مصطفی گفت قصد نداریم شب را در چفل بمانیم، ولی آنها با اصرار گفتند: «باید شب را در چفل بمانید تا ما اجر خدمت‌کردن به زائرین مرقد امام حسین (ع) را ببریم» و در مقابل اصرار صمیمانه و عاشقانه سالکان آن حرم باصفا، کوتاه آمده، شب را در چفل ماندیم. در همان حسینه جمعیت زیادی از اهالی به زیارت حاج‌آقا مصطفی آمدند و در بین آنان یکی از منبری‌های معروف عراق که آن شب در چفل بود، منبر بسیار عالی رفت و بعد از او هم سیدی یک منبر عربی رفت و خلاصه شوری به پا شد. فردای آن روز صبحانه خورده، خیلی زود حرکت کردیم. مشایعت اهالی چفل، دیدنی‌تر از استقبالشان بود و از چفل به دنبال ما راه افتادند و مقدار زیادی از راه ما را همراهی کردند.

#### ۴. حضور علامه امینی (ره)

یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه نجف که به طور مرتب در این مراسم شرکت می‌کرد، علامه امینی مؤلف کتاب ارزشمند «الغدير» بود که در این سفرها، همواره تعدادی از مؤمنین او را همراهی می‌کردند. علامه امینی وقتی به نزدیکی کربلا می‌رسید، حالش منقلب می‌شد و قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شد.



#### ۴. حضور امام موسی صدر

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان که در شهریور ۱۳۵۷ توسط صهیونیست‌ها ربوده و ناپدید شد، یکی از شیفتگان مراسم پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر هم بحث بود، می‌گوید:

وقتی که امام موسی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد و وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشعار و نوحه‌سرایی به او می‌رسید، باحال جان‌کاهی در مصیبت اهل‌بیت (ع) اشعار فارسی و عربی فصیحی می‌خواند و هنگام کار و حمل اثاثیه سفر، وی بیش از همه کار می‌کرد و هنگام شوخی و مزاح، مزاح‌هایی بیان می‌کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشت.

مراجع عظام تقلید و علما نیز در سخنرانی خود بارها بر اهمیت این پیاده‌روی و ثواب این حرکت معنوی تأکید کرده و بر اساس نظر ایشان شرکت‌کنندگان در این پیاده‌روی بعد از این سفر از هر گناهی پاکیزه می‌شوند.



## رهنمود های علمای شیعه در باب اربعین

### مقام معظم رهبری

ایام اربعین است و خوشا به حال آن کسانی که در حال پیاده‌روی هستند یا پیاده‌روی خواهند کرد و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش مضمون روز اربعین را إن شاء الله خطاب به حضرت خواهند خواند.

الحمد لله جوان‌های ما راه را پیدا کردند و میلیون‌ها نفر از مردم ما و مردم غیر ما، مردم عراق و دیگران، در این راه حرکت می‌کنند، این هم یکی از حوادث بسیار برجسته‌ای است که خدای متعال مَت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است؛ این شد یک نماد. همیشه اربعین پیاده‌روی بود، اما این حرکت عظیم که یک نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان اهل بیت و علاقه‌مندان به اهل بیت هست، این نبود، ما این را نداشتیم، این را خدای متعال در اختیار ما گذاشت، خدا را بایستی شاکر باشیم.

حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در رابطه با سیاسی و تمدن‌ساز بودن عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) می‌فرمایند: «شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سید الشهدا. نه سید الشهدا احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه‌ها خودش - فی نفسه - کاری از آن مآید، لکن این مجالس‌ها مردم را همچو مجتمع می‌کنند و يك وجه می‌دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا،... جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری است که هست. مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئله تباکی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. این‌ها را يك‌پارچه کنند

تا آسپید نباشند. مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش».

### آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی نیز بر بُعد تبلیغی زیارت اربعین اشاره نموده، پیاده روی این موسم را با احترام به امام حسین (ع) پیوند می زند و تأکید دارد که: پیاده رفتن، یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله (ع) است؛ لذا این پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می کند و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است؛ یکی از مبلغ های بسیار خوب است.

عیناً در روایات داریم ائمه پیاده از مدینه می رفتند مکه. امام سجاد (ع) بیست و پنج سفر شاید با پای پیاده رفت. گاهی مرکب هم همراه خودشان می بردند. به دو فایده؛ یک فایده اگر وسط راه ناچار شوند سوار بشوند، دیگر اینکه بگویند از بی مرکبی نیست که ما پیاده می رویم، مرکب هم داریم و پیاده می رویم، این به احترام امام حسین (ع) است. این یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله (ع) است. این پیاده رفتن، این دلیل بر این است و لذا این پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می کند؛ و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است. یکی از مبلغ های بسیار خوب است.

### آیت الله العظمی سید علی سیستانی

آیت الله العظمی سید علی سیستانی که نقش محوری در تعظیم شعائر حسینی عراق معاصر ایفا می نماید، معتقد است: خداوند مؤمنان را از آن رو به زیارت مشاهد متبرکه ایشان تشویق نموده است که یادشان جاودانه بماند و جایگاهشان اعتلا یابد، و چون آن بزرگواران نمونه اعلاى بندگی خدای سبحان و جهاد در راه او و فداکاری برای دین



استوارش بوده‌اند، این امر سبب به یاد آوردن خدای متعال و آموزه‌ها و احکام او برای مردم باشد.

ایشان بر ارتقای باور و رفتار شیفتگان حسینی نیز تأکید دارند و توصیه مهمشان به زائران اربعین حسینی این است: از لوازم این زیارت آن است که زائر علاوه بر یادآوری جان‌فشانی‌های امام حسین (ع) در راه خداوند متعال، تعالیم دین حنیف از جمله نماز، حجاب، اصلاح، گذشت، بردباری و ادب و قوانین آموشد و دیگر مفاهیم پسندیده را رعایت نماید تا زیارتش گامی در مسیر تربیت نفس برای پذیرش این امور و تثبیت آثار آن تا زیارت‌های بعدی باشد. چنین است که شرکت در این مراسم به منزله حضور در مجالس تعلیم و تربیت امام (ع) خواهد شد. پس بر زائران است که در مسیر خویش، ذکر خدای متعال را بسیار بگویند و در هر گام و هر عمل خود اخلاص را در نظر داشته باشند و بدانند که خداوند متعال نعمتی همتای اخلاص در عقیده و گفتار و رفتار را به کسی عنایت نفرموده است و عمل تهی از اخلاص، با پایان زندگی دنیوی تمام می‌شود؛ درحالی‌که عمل مخلصانه، هم در این دنیا و هم پس از آن، جاودان و مبارک خواهد ماند. خدا را خدا را در رعایت پوشش و حجاب! که از مهم‌ترین چیزهایی است که اهل بیت (ع) حتی در سخت‌ترین شرایط کربلا به آن توجه داشته و خود والاترین الگوی آن بوده‌اند. ایشان به اندازه آزاری که از هتک حرمت خود دیدند، از هیچ رفتار دشمن آزاده نشدند؛ لذا بر همه زائران و به‌ویژه بر بانوان زائر فرض است که شرایط عفاف را در رفتار و نوع پوشش و ظاهر خود حفظ نموده و از هر چه این امر را خدشه‌دار می‌کند (مانند پوشیدن لباس‌های تنگ و اختلاط‌های زشت و استفاده از زیورآلات ناروا) بپرهیزند؛ بلکه سزاوار است که به‌منظور منزه نگه‌داشتن این مراسم مقدس از شائبه‌های ناپسند، تاحدامکان، بالاترین مراتب عفاف را رعایت نمایند.





### آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی معتقد است اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است؛ بنابراین همان‌گونه که نماز، ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است، اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کند.

### آیت الله العظمی بهجت

آیت الله العظمی بهجت فومنی، پیاده‌روی اربعین را بهترین فرصت برای معرفی امام حسین (ع) به جهانیان دانسته، بر این نکته تأکید می‌کردند که: الان هنوز همه مردم عالم، حسین (ع) را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست؛ چون ما برای سیدالشهدا (ع) طوری فریاد نزدیک که همه عالم صدای ما را بشنود.





فصل سوم



# فصل آشنایی



## تاریخچه پیاده‌روی اربعین

درباره منشأ اهمیت روز اربعین امام حسین (علیه‌السلام) در تاریخ شیعه، باید گفت که این روز (۲۰ صفر) از دو جهت مرکز توجه قرار گرفته است: یکی از جهت بازگشت اسرا از شام به کربلا در اربعین اول یا دوم و زیارت قبر مطهر امام حسین (علیه‌السلام) توسط امام سجاد (علیه‌السلام) و حضرت زینب (س) و دیگری به سبب زیارت قبر سیدالشهدا (علیه‌السلام) توسط جابر بن عبدالله انصاری، یکی از اصحاب برجسته رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

بنابراین، نخستین زائر اربعین از میان مردم، جابر بن عبدالله انصاری بوده است و نخستین زائر اربعین از میان خانواده امام حسین (علیه‌السلام) و بنی‌هاشم، کاروان اسرا اهل بیت پیامبر در هنگام بازگشت از شام است. چنان‌که مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف لهوف، چنین می‌فرماید: «هنگامی که زنان و خاندان امام حسین (علیه‌السلام) از شام بازگشتند و به عراق رسیدند، به راهنماییشان گفتند: «ما را از راه کربلا ببر». آنان به قتلگاه [شهدا] رسیدند و جابر بن عبدالله انصاری که خدا رحمتش کند و گروهی از بنی‌هاشم و مردانی از خاندان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) را دیدند که برای زیارت قبر حسین (علیه‌السلام) آمده بودند. پس در یک‌زمان، در آن جا گرد آمدند و با گریه و اندوه و بر سر و صورت زنان، به هم رسیدند و مجلس‌های عزایی بر پا داشتند که جگر را آتش می‌زد. زنان حاضر در آن جا هم گرد آمدند و چندین روز، همین‌گونه ماندند.»

همچنین علامه مجلسی (ره) در کتاب زادالمعاد می‌نویسد: «مشهور آن است که سبب تأکید زیارت آن حضرت در این روز، آن است که



امام زین العابدین (علیه السلام) با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام به کربلای معلّی وارد شدند و سرهای مطهر شهدا را به بدن های ایشان ملحق کردند.»

آنچه مسلم است، نخستین زیارت امام حسین (علیه السلام) در اربعین توسط جابر بن عبدالله صورت گرفته و پس از آن ائمه اطهار (علیهم السلام) که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین (علیه السلام) بهره برداری می کردند، آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده به عنوان روزی که زیارت امام حسین (علیه السلام) در آن مستحب است اعلام نموده اند. بخصوص با انشاء متن زیارت اربعین با مضامین عالی، شیعیان را به زیارت در این روز تشویق نموده و آن را از علایم شیعه دانسته اند.

پیاده روی و زیارت حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین ریشه تاریخی دارد، چرا که جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی در سال ۶۱ قمری با پای پیاده از مدینه حرکت کردند و در صبح اولین اربعینی که از شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می گذشت، به کربلا رسیدند. طبق آنچه که در منابع شیعه معتبر مشهود است، در روز اربعین حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) همراه با هشتاد و چهار نفر وارد کربلا شدند و پس از گفتگو با جابر بن عبدالله انصاری، قبر مطهر امام (علیه السلام) را زیارت کردند و از آنجا زیارت اربعین آغاز شد.

اهل بیت (علیهم السلام) چون به کربلا رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری را دیدند که با تنی چند از بنی هاشم و خاندان پیامبر برای زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده بودند. هم زمان با آنان به کربلا وارد شدند و سخت گریستند و ناله و زاری کردند و بر صورت خود سیلی زده و ناله های جان سوز سر دادند. زنان روستاهای مجاور نیز به آنان پیوستند. زینب (سلام الله علیها) در میان جمع زنان آمد و گریبان چاک

زد و با صوتی حزین که دل‌ها را جریحه‌دار می‌کرد، می‌گفت: «وا اخاه! واحسیناه! واحیب رسول‌الله و...» سپس بی‌هوش شد. آن‌گاه ام‌کلثوم لطمه به صورت زد و با صدایی بلند می‌گفت: «امروز محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا از دنیا رفته‌اند» و دیگر زنان نیز سیلی به صورت زده و گریه و شیون می‌کردند. سکینه، چون چنین دید، فریاد زد: «وا محمداه! وا جداه! چه سخت است بر تو تحمل آنچه با اهل بیت تو کرده‌اند، آنان را از دم تیغ گذراندند و بعد عریان‌شان کردند!»

عطیه عوفی می‌گوید: «با جابر بن عبدالله به عزم زیارت قبر حسین (علیه‌السلام) بیرون آمدم و چون به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک شط فرات رفته و غسل کرد و ردایی همانند شخص مُحرم بر تن کرد و همیانی را گشود که در آن بوی خوش بود و خود را معطر کرد و هر گامی که بر می‌داشت ذکر خدا می‌گفت تا نزدیک قبر مقدس رسید و به من گفت: دستم را روی قبر بگذار! چون چنین کردم، بر روی قبر از هوش رفتم.

من آب بر روی جابر پاشیدم تا به هوش آمد. آن‌گاه سه مرتبه گفتم: «یا حسین!» سپس گفتم: «حبيب لا یحبیب حبیبه!» و بعد اضافه کردم: «چه تمنای جواب داری که حسین در خون خود آغشته و بین سر و بدنش جدایی افتاده است!» و گفتم: «من گواهی می‌دهم که تو فرزند بهترین پیامبران و فرزند بزرگ مؤمنین هستی، تو فرزند سلاله هدایت و تقوا و پنجمین نفر از اصحاب کساء و عبایی، تو فرزند بزرگ نقیبان و فرزند فاطمه سیده بانوانی و چرا چنین نباشد که دست سید المرسلین تو را غذا داد و در دامن پرهیزگاران پرورش یافتی و از پستان ایمان شیر خوردی و پاک‌زیستی و پاک از دنیا رفتی و دل‌های مؤمنان را از فراق خود اندوهگین کردی، پس سلام و رضوان خدا بر تو باد، تو بر همان طریقه رفتی که برادرت یحیی بن زکریا شهید گشت.»

آن‌گاه چشمش را به اطراف قبر گردانید و گفت: «سلام بر شما ای



ارواحی که در کنار حسین نزول کرده و آرمیدید، گواهی می‌دهم که شما نماز را بپا داشته و زکات را ادا کرده و به معروف امر و از منکر نهی کردید و با ملحدین و کفار مبارزه و جهاد کرده، و خدا را تا هنگام مردن عبادت کردید.» و اضافه کرد: «به آن خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، ما در آنچه شما شهدا در آن وارد شده‌اید شریک هستیم.» عطیه می‌گوید: «به جابر گفتم: ما کاری نکردیم! اینان شهید شده‌اند.» گفت: «ای عطیه! از حبیبم رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: «من احب قوما حشر معهم و من احب عمل قوم اشرك فی عملهم» هر که گروهی را دوست داشته باشد با همانان محشور شود و هر که عمل جماعتی را دوست داشته باشد در عمل آن‌ها شریک خواهد بود.»

پیاده‌روی برای زیارت سیدالشهدا در روز اربعین در قرن‌های اخیر نیز سابقه دارد؛ زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» رسم بوده است، اما در برهه‌ای از زمان به فراموشی سپرده می‌شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می‌شود. ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) رفت. با اینکه زیارت سیدالشهدا (علیه‌السلام) در اکثر برهه‌های تاریخی به سختی انجام می‌شد و جان زائران در خطر بود، اما با این وجود زائران، عاشقانه خطرات را به جان می‌خریدند و به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در روز اربعین نائل می‌شدند.

این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده‌روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که ۳ روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیانش وی را همراهی می‌کردند. «محدث نوری» از آن‌پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) رفت.



## سرگذشت اولین زائر اربعین

جابر بن عبدالله انصاری از شخصیت‌های برجسته اسلام است که موضع‌گیری‌های خوبی در زمینه‌های فکری و سیاسی داشته است. او از پیش‌تازان گردآمده اطراف امیرالمؤمنین (ع) و جزو گروه ۷۰ نفری بیعت عقبه و شرطة الخمیس بود و آخرین باقی‌مانده از اصحاب رسول خدا و از پیروان اهل‌بیت به شمار می‌آید. او درحالی‌که عصا در دست داشت در کوچه‌های مدینه می‌گشت و می‌گفت: «علی خیر البشر» (علی برترین انسان‌هاست). چون پیرمرد بود، حجاج کاری به او نداشت.

او حامل سلام پیامبر به امام باقر (علیه‌السلام) و روایتگر خبر لوح (دربدارنده نص خداوند بر امامت امامان) بود و او تنها صحابی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) بود که آن را نزد فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) دیده بود. آیت‌الله خویی می‌نویسد: «او در جنگ بدر و هجده غزوه همراه پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) حاضر شد و از اصحاب رسول خدا و بهترین یاران امیرمؤمنان بود. او یاران امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم‌السلام) نیز بود. امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: "جابر هیچ‌گاه دروغ نگفته است"» (معجم رجال حدیث، ج ۴، ص ۳۳۰).

او و پدرش هر دو از یاران رسول خدا بودند و در سال ۷۸ هجری قمری در سن ۹۰ سالگی از دنیا رفت و از راویانی بود که تا ۱۵۴۰ روایت از او نقل شده است.

گزارش‌های متعددی حاکی از حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا در نخستین اربعین شهدا در سال ۶۱ هجری هستند. برخی در این گزارش‌ها تردید کرده و گفته‌اند: باتوجه‌به امکانات آن دوران، سفر از مدینه تا کربلا، پس از دریافت خبر واقعه کربلا، بیش از چهل روز طول می‌کشیده است. ازاین‌رو، جابر نمی‌توانسته در اربعین اول در کربلا حضور یابد.





در پاسخ به این تردید، می‌توان گفت: اولاً، از کجا ثابت شده که جابر، هنگام واقعه عاشورا، در مدینه بوده است؟ شاید او آن هنگام، مدینه را به سوی کوفه ترک کرده بوده است.

ثانیاً می‌توان گفت که امکان دریافت خبر شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش تا ده روز بعد از واقعه عاشورا وجود دارد و جابر می‌توانسته در مدت باقی‌مانده تا اربعین، خود را به کربلا برساند

## عطیه عوفی که بود؟

عطیه که در تاریخ کربلا به‌عنوان زائر همراه جابر از او یاد شده، به نام ابوحسن عطیه بن سعد عوفی از دانشمندان بنام اسلام و از مفسران قرآن کریم بود که به دلیل همراهی با جابر بن عبدالله می‌توان ایشان را دومین زائر امام حسین (علیه‌السلام) دانست.

انتخاب نام عطیه برای ایشان توسط امام علی (علیه‌السلام) انجام شد. هنگامی که پدرش به حضرت گفت: «پسری از من به دنیا آمده است، نامی برایش بگذار»، حضرت فرمود: «هذا عطية الله؛ او داده خداوند است.»

حجاج دستور داد عطیه را فراخواند و اگر از علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) لعن کرد، چهارصد ضربه شلاق به او بزنید و موی سر او را بزنید. عطیه با سرباز زدن از لعن، شلاق و اهانت را تحمل کرد. او دارای تفسیر قرآن در پنج جزء بود.

## زائر کیست و زیارت چیست؟

زیارت یعنی ارتباط دل با خدا توسط یک واسطه‌ای که خود مجرای فیض است. زیارت ائمه علیهم‌السلام به تعریفی؛ زیارت خدا است؛ زیارت معشوق است؛ لذا در اول کار در امر زیارت، تشکر و شکر بسیار از خداوند کریم می‌کنیم که یک‌بار دیگر این توفیق را داد که ما دنیا را کنار



بگذاریم و توجه جدی و خالص به خدا داشته باشیم. زن و فرزند و مال و مقام و منصب و هر چه که تعلقات دنیایی است؛ به واسطه‌ی حضور در حرم آن معصوم عزیز؛ کنار گذاشته شود و ساعاتی از عمر را خالصاً مخلصاً به خود و خدا بپردازیم. پرونده‌ی خود را باز کنیم و خود را با واسطه قراردادن آن معصوم برای گرفتن بخشش و ریختن گناهان؛ به خدا رسماً ارائه کنیم و راه نجات طلب کنیم. آن امامان معصوم البته به دنیا و مشکلات ما توجه دارند و بسیار هم بزرگوار هستند و اگر به اذن پروردگار کریم صلاح ما در آن طلب‌های دنیایی باشد؛ به ما اعطا خواهند کرد؛ ولی اگر ما به نزد فلان امام معصوم برویم و برای دنیایمان فقط طلب و یا خواسته‌ای داشته باشیم و آن مکان و آن امام را بنگاه کاریابی و یا سلامت‌یابی و پول و بانک بدانیم، صداً البته ضرر کرده‌ایم و هدف از زیارت، البته این چیزها نمی‌باشد.

تشکر فراوان از خدا با توجه قلبی از پروردگار بزرگ که ما را لایق دانست و اجازه فرمود و توفیق زیارت آن امام و یا آن معصوم را به ما عطا نمود. چرا که در این زیارت؛ همه‌ی توجهات به معصوم؛ توجه به خدا است. توجه به عظمت و بزرگی خداست. یعنی یکی از بهترین راه‌ها و به تعریفی قوی‌ترین راه که می‌شود توجه خالص به خدا داشته باشیم؛ زیارت ائمه علیهم‌السلام است. تشکر و شکرگزاری به درگاه خداوندی که این امامان را برای ما گنه‌کاران قرار داد که ما به واسطه‌ی آن‌ها از دست خود و اعمالمان نجات پیدا کنیم. اینکه به واسطه‌ی وجود آنان؛ مطمئن‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر به سمت خدا و توجه به خدا؛ به ما اعطا شده است. یعنی شکرگزاری به‌خاطر اینکه به واسطه‌ی امامان معصوم علیه‌السلام به منبع نوری وصل می‌شویم که از سرمنشاء هستی؛ یعنی خداوند به ما رسیده است. نور ائمه علیهم‌السلام؛ پاک‌کننده است. زیباست. جلال و جمال و کمال به انسان می‌دهد؛ یعنی انسان آینه‌ی جمال و جلال و کمال خداوندی می‌شود. چرا که او خلیفه‌ی خدا بر روی زمین است؛ پس صفات او





را هم باید به نمایش بگذارد؛ و این همان عهد انسان با خداست. و این تشکر زمانی ارزشمند و قابل قبول خواهد بود که فرد زیارت کننده نسبت به آن امام معصوم معرفت پیدا کرده باشد؛ عارفاً به حقه باشد که این معرفت؛ انسان را در مسیر خدا قرار می دهد؛ و اگر در مسیر قرار گرفتی؛ تازه می شوی زائر؛ و این مقام بزرگی است چرا که ائمه ی معصوم علیهم السلام؛ بهشت را برای زائرینشان تضمین کرده اند؛ و انسان زائر نمی شود مگر اینکه توجه و مسیرش خدایی باشد؛ و برای اینکه بتوانیم یک زیارت بامعرفت داشته باشیم؛ باید از آن امام معصوم مدد و یاری بطلبیم؛ که زائر الی الله شویم. همه ی توجهاتمان به سمت خدا شود؛ دیش و گیرنده هایمان به سمت خدا شود؛ فقط ریشمان به سمت خدا نباشد. فقط ظاهرمان به سمت خدا نباشد؛ قلب ما؛ درون ما و در کل باطن ما به سمت خدا بشود؛ عملمان خدایی شود. زائر شدن یعنی این. وقتی زحمت کشیدی و زائر شدی؛ حال می توانی به زیارت بروی؛ زیارت یعنی ارتباط قلبی با معصوم؛ معصومی که با اعتقاد راسخ، می دانی یکی از منابع فیض الهی است؛ زیارت یعنی پیوند دادن دل با صاحب آن قبر، با حقیقت آن امام بزرگوار. زیارت در اصل یعنی اعزاز کردن؛ و اعزاز یعنی دور شدن؛ یعنی با عمل زیارت از عالم ماده و جسم و دنیا و هر چه دنیایی و مادی است دور شویم؛ یعنی دور شدن از تمام رذایل اخلاقی (کنارگذاشتن آن ها) و ورود به عالم معنوی؛ روحانی؛ الهی؛ حالا که وارد این عالم شدی؛ بفهم که به واسطه ی آن امام معصوم از خدا چه می خواهی؛ نکند که خواسته های تو مربوط به دنیا و دنیا مداری باشد؛ ضرر می کنی؛ برمی گردی به جای اولت؛ و دوباره برای زائر شدن و ورود به این عالم روحانی مجبور باشی زحمت بکشی و معلوم هم نیست که عمر تو کفاف رفتن در این مسیر را بدهد بعد از شکرگزاری به درگاه خداوند که بامعرفت به حق خدا باید باشد؛ بایستی اهتمام جدی به پیدا کردن معرفت نسبت به آن امام معصوم داشته باشیم. یعنی معتقد باشیم به معصوم بودن آن امام از



هر گونه گناه و معصیت. معرفت به اینکه او حجت خدا بر روی زمین بوده و کلام خدا و فرمان خدا از طریق آنان به ما می‌رسد و حرف آن‌ها و دستوراتشان به ما دقیقاً همان دستورات خداوند بوده و تمامی آن دستورات بدون هیچ گزینشی لازم‌الاجراست. اطاعت از آن امام واجب بوده و تخطی از فرامینشان گناه بزرگی بوده و باعث انحراف و سقوط و نابودی ما خواهد شد.



فصل چهارم



اربعین هویت ساز کودکان و نوجوانان

## نقش کودکان و نوجوانان کربلا

جنگ‌ها، اگر نیروهای نظامی در برابر یکدیگر قرار بگیرند، مردم تلفات جانی و مالی آن را عادی می‌دانند و عواطف آنان جز برای مدتی کوتاه برانگیخته نمی‌شود. باین‌حال، اگر جنگ به شهرها و مناطق غیرنظامی سرایت کند و زنان و کودکان و نوجوانان و افراد بی‌طرف، طعمه آتش جنگ شوند، حتی انسان‌های سنگ‌دل و بی‌عاطفه نیز عاملان آن را سرزنش می‌کنند. در واقعه عاشورا، کودکان و نوجوانان همپای بزرگسالان، نقش مؤثری ایفا کردند که در سه جنبه قابل‌بررسی است:

### الف) زنده نگه‌داشتن یاد عاشورا

شهادت و اسارت کودکان و نوجوانان در کربلا، دلِ سنگ را می‌شکند و دیده هر خشک‌چشمی را تر می‌کند و این مسئله، سبب زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره عاشورا می‌شود.

### ب) هدایت گنه کاران

شهادت کودکان و نوجوانان سبب هدایت گنه کاران می‌شود؛ زیرا عواطف آنها را برمی‌انگیزد و آنها را متأثر می‌سازد و اشکشان را جاری می‌کند. آشکارا است که اشک چشم، آلودگی‌های دل را شست‌وشو می‌دهد و هنگامی که این مسئله تکرار شود، سرانجام چشم دل او باز می‌شود و چراغ پر فروغ هدایت و کشتی نجات را می‌بیند و به آن سو حرکت می‌کند.

### ج) پیام‌رسانی نهضت عاشورا

کودکان و نوجوانان عاشورا یا جنگیدند و به شهادت رسیدند یا به اسارت درآمدند و پیام نهضت عاشورا را به مردم رساندند.



## معرفی کودکان و نوجوانان کربلا

یکی از جلوه‌های باشکوه حرکت کاروان امام حسین (علیه‌السلام) حضور کودکان همراه امام حسین (علیه‌السلام) و خاندان مکرم ایشان است. این حضور شورانگیز به حرکت امام حسین (علیه‌السلام) رنگ و بوی خاصی بخشید.

### علی‌اصغر (علیه‌السلام)

یکی از فرزندان امام حسین (علیه‌السلام) نوزاد شیرخواری بود که از تشنگی در روز عاشورا بی‌تاب شده بود. امام، خطاب به دشمن فرمود: «از یاران و فرزندانم، کسی جز این کودک نمانده است. نمی‌بینید که چگونه از تشنگی بی‌تاب است؟» در «نفس المهموم» آمده است که فرمود: «انْ لَمْ تَرْحَمُونِي فَأَرْحَمُوا هَذَا الطُّفْلَ.» و در حال گفت‌وگو بود که تیری از کمان حرمله آمد و گوش تاگوش حلقوم علی‌اصغر را درید. امام حسین (علیه‌السلام) خون گلی او را گرفت و به آسمان پاشید.

### حضرت رقیه

دختر سه یا چهارساله اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) است که در سفر کربلا، همراه اسیران اهل‌بیت بود و در شام، شبی، پدر را به خواب دید و پس از بیدارشدن بسیار گریست و بی‌تابی کرد. خبر به یزید رسید. به دستور او، سر مطهر امام (علیه‌السلام) را نزد او بردند. رقیه از این منظره، بیشتر ناراحت و رنجور شد و همان روزها در خرابه شام (که محل اقامت موقت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بود) جان داد.

### امام محمدباقر (علیه‌السلام)

تنها فرزند امام سجاد (علیه‌السلام) بود. مادر بزرگوارش، فاطمه دختر امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) معروف به ام عبدالله است. در کربلا،



سه سال و نیم بیشتر نداشت و حوادث خونین عاشورا و دوران اسارت را در حافظه خویش ثبت کرد.

### قاسم بن الحسن

نوجوانی نابالغ بود که روز عاشورا در کربلا حضور داشت. وی فرزند امام حسن (علیه السلام) بود و برخی مادرش را رمله و برخی نفیله می‌دانند. وی با اصرار زیاد، عمویش حسین (علیه السلام) را راضی کرد تا به میدان برود. حمید بن مسلم می‌گوید: «در این گیرودار بودیم که دیدم پسری به‌سوی ما می‌آید که چهره‌اش همانند پاره ماه بود. در دستش، شمشیری و در تنش، پیراهنی و نعلینی پوشیده بود که بند یکی از آن دو پاره بود و فراموش نمی‌کنم که آن بند کفش پای چپش بود. عمرو بن سعید بن نفیل ازدی چون او را دید، گفت: «به خدا سوگند! اکنون بر او حمله می‌برم.» به او گفتم: «سبحان الله! تو از این کار چه هدفی داری؟ همان کسانی که دور او را گرفته‌اند و حتی يك نفر از ایشان را باقی نمی‌گذارند، او را کفایت می‌کنند.» گفت: «به خدا سوگند! من بر او حمله خواهم کرد.» سپس بر او حمله کرد و پیش از آنکه این نوجوان روی برگرداند، با شمشیر چنان بر سرش کوبید که فرقه‌ش شکافته شد. پسرک با صورت به زمین افتاد و فریاد زد: «ای عموجان!» و با این کلمه از حسین (علیه السلام) یاری خواست.

### عبدالله بن حسن بن علی (علیه السلام)

وی نوجوان ۱۱ ساله و فرزند امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود که روز عاشورا وقتی دید سید الشهداء (علیه السلام) بر زمین افتاده است، برای دفاع از عموی مظلومش به‌سوی میدان شتافت و جنگید و عده‌ای را کشت و با تیغ بحر بن کعب به شهادت رسید. برخی هم نقل کرده‌اند، حمله با شمشیر، دست او را که در آغوش عمویش حسین (علیه السلام) قرار گرفته بود، برید و همان جا شهیدش کرد.



## عون بن عبدالله

عون، فرزند حضرت زینب (علیه السلام) در کربلا و روز عاشورا حضوری فعال داشت و به شهادت رسید. این نوجوان شجاع نزد امام آمد و با اصرار مادرش، حضرت اجازه فرمود که به میدان برود. وی شماری از دشمنان را به هلاکت رساند و سرانجام به شهادت رسید. رجزی که در میدان جنگ می‌خواند، چنین بود: «اگر مرا نمی‌شناسید من پسر عبدالله جعفرم، همان که در بهشت با دو بال پرواز می‌کند.»

## محمد بن عبدالله

محمد بن عون عبدالله نیز شجاعانه قدم به میدان گذاشت و خود را معرفی کرد و در یک نبرد سنگین، سه سوار و هجده پیاده از دشمنان خدا را به دوزخ فرستاد و سرانجام به شهادت رسید.

## طفلان مسلم

محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ، مدت یک سال در زندان بودند. سپس با کمک «مشکور»، پیرمرد زندانبان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. شب به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن زیاد بود. حارث، آن دو را کنار رود فرات برد و بی‌رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند و سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد.

## عمرو بن جناده انصاری

از شهیدان نوجوان کربلا است که پدرش در رکاب سیدالشهداء (علیه السلام) شهید شد. او هنگامی که خواست به میدان برود، امام فرمود: «پدر این جوان کشته شد، شاید مادرش راضی نباشد که به میدان رود.» گفت: «مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس جنگ



بر من پوشانده است.» او که ۹ یا ۱۱ ساله بود، به میدان رفت و رجز خواند و جنگید تا کشته شد. نام او در زیارت ناحیه مقدسه آمده است

### عبدالله بن مسلم

عبدالله، فرزند مسلم بن عقیل، نوجوانی بود که همراه دایی و مادرش در کربلا حضور داشت. مادر او رقیه، دختر علی (علیه السلام) است. عبدالله در روز عاشورا، با اجازه حسین (علیه السلام) به میدان نبرد رفت و این رجز را خواند: «امروز پدرم، مسلم و جوانانی را که در راه دین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شهید شده‌اند، ملاقات می‌کنم.» عبدالله شماری از مردان جنگی دشمن را در سه حمله از پای درآورد و سرانجام به دست عمرو بن صبیح صیداوی و اسد بن مالک به شهادت رسید.

### محمد بن مسلم

نوجوانی ۱۲ یا ۱۳ ساله بود که روز عاشورا در کربلا با امام حسین (علیه السلام) شهید شد. پس از شهادت عبدالله بن مسلم، جوانان بنی‌هاشم به طور دسته‌جمعی، بی‌اجازه بر دشمن حمله کردند. امام حسین (علیه السلام) فریادی کشید و آنان را از حمله گروهی بازداشت و با صدایی رسا فرمود: «ای پسرعموهای من! برای مرگ، شکریا باشید.» جوانان اهل بیت، دست از حمله برداشتند و بازگشتند، ولی در این فاصله، محمد بن مسلم (فرزند دیگر مسلم بن عقیل) به دست ابومرهم ازدی و لقیط بن ایاس جهنی به شهادت رسید.

### عمرو بن الحسن

یکی دیگر از کودکانی است که در کربلا حضور داشت و پس از حادثه عاشورا اسیر شد. نقل شده است روزی یزید به او گفت: آیا با پسرعمو عبدالله کشتی می‌گیری؟ عمرو بن الحسن گفت: نیرویی برای کشتی



ندارم ولی با يك چاقو به من و يك چاقو هم به او بده تا با هم بجنگيم. اگر او مرا كشت، من به جدم رسول خدا (صلی الله عليه و آله) و پدرم علی بن ابی طالب (عليه السلام) می پیوندم و اگر من او را بكشم، او به جدش ابوسفیان و پدرش معاویه خواهد پیوست. یزید گفت: «این خوبی است که من می شناسم. مار جز مار نمی زاید.» کنایه از اینکه عمرو بن الحسن، شجاعت و دلاوری را از پدران و اجداد خود به ارث برده است.

## ویژگی های الگویی کودکان و نوجوانان عاشورایی

الگوپذیری و سرمشق گرفتن از رفتار دیگران از ویژگی هایی است که به حکم آفرینش در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. این ویژگی در گروه سنی کودک و به ویژه نوجوان نمود بیشتری دارد. به همین دلیل، در این قسمت، برخی از ویژگی های کودکان و نوجوانان حاضر در کربلا را که قابلیت الگودهی به کودکان و نوجوانان امروزی را دارند، بیان می کنیم:

### الف) ولایت پذیری

کودکان و نوجوانان عاشورایی، تسلیم مطلق مقام ولایت امام زمان خود بودند و در راه دفاع از امام و آرمان های او تا پای فدای جان پیش رفتند.

### ب) عشق به شهادت

یکی از الگوهای رفتاری آنان، عشق به شهادت و نهراسیدن از مرگ بود. هنگامی که امام حسین علیه السلام نظر قاسم بن الحسن علیه السلام را درباره مرگ می پرسد، می گوید: «عمو جان! مرگ در راه خدا و در رکاب تو، نزد من از عسل شیرین تر است.»



### ج) شجاعت و شهامت

مقام و رتبه شهید را بشناسیم. نوجوانان عاشورایی با وجود کمی سن، مردانه در مقابل دشمن وحشی و سنگدل ایستادند و جنگیدند. آنان هنگامی که پا در میدان نبرد می‌گذاشتند، با شجاعت هرچه تمام، ابتدا خود را معرفی می‌کردند و سپس در میدان جنگ ده‌ها مرد جنگی را از پا در می‌آوردند. قاسم بن الحسن علیه‌السلام، هنگامی که به میدان می‌رود، با جسارت هرچه تمام، خود را چنین معرفی می‌کند: «اگر مرا نمی‌شناسید، پس بدانید من فرزند امام حسن علیه‌السلام، نوه پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله هستم.» به روایتی، وی در میدان جنگ، ۳۵ مرد جنگی را از پا درآورد. عون، فرزند حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نیز در میدان جنگ چنین می‌گوید: «اگر مرا نمی‌شناسید، من پسر جعفر طیارم! آن شهید راستینی که در بهشت می‌درخشد و با بال سبز که خداوند به او عطا فرموده است، پرواز می‌کند. این افتخار، برای من و او در محشر کافی است.» او ۲۱ سپاهی را به یزید دوزخ فرستاد.

### د) رعایت ادب و اجازه گرفتن از بزرگ تر

تمامی نوجوانان حاضر در کربلا، هنگامی که قصد رفتن به میدان را داشتند، نزد امام حسین علیه‌السلام آمدند و از ایشان اجازه گرفتند.

### ه) توجه به نماز و ارتباط با خدا

در انجام کارها، بر بزرگ‌ترها پیش‌دستی نکنیم. کودکان و نوجوانان عاشورایی در سخت‌ترین لحظات، نماز به‌جا آوردند. فرزندان مسلم پیش از شهادت، از قاتل خود درخواست کردند که نماز بخواند. هنگامی که او اجازه داد، وضو گرفتند، دو رکعت به‌جا آوردند و دست به مناجات با خدا برداشتند و گفتند: «ای خداوند حی داور! بین ما و این مرد، تو خود، دآوری فرما.»



## (ز) معرفت بالای دینی و جانبازی در راه اسلام

نماز در مشکلات، تسلی دل و مایه صبوری و بردباری است. شناخت حق از باطل و معرفت بالا، نسبت به تعالیم دین و آشنایی با انحراف دین از ویژگی‌های آنان بود. محمد با اینکه نوجوانی بیش نیست، هنگام رجزخوانی در میدان جنگ می‌گوید: «از دشمنان کوردل و پستی که به جنگ ما آمده و دستورهای قرآن را وارونه کرده و کفر و طغیان را آشکار کرده‌اند، به خداوند شکایت می‌کنم.» سپس شجاعانه جنگید و به همراه عون به شهادت رسید. امام محمدباقر علیه‌السلام که در کربلا کودک خردسالی بیش نبود، وقتی یزید تصمیم به کشتن پدرش امام سجاد علیه‌السلام می‌گیرد و نظر مشاورانش را در این زمینه می‌خواهد و آنها پاسخ مثبت می‌دهند، به یزید می‌فرماید: «ای یزید! اینها برای خوشایند تو، برخلاف هم‌نشینان فرعون رأی دادند. آن‌گاه که فرعون درباره موسی و هارون با آنها مشورت کرد، گفتند: موسی و برادرش را مهلت بده! اما اینان رأی به کشتن ما دادند و این بی‌علت نیست.» یزید گفت: علت آن چیست؟ فرمود: «آنها عاقل بودند و اینها نادان؛ زیرا جز حرام‌زادگان، پیغمبران و فرزندان آنان را نمی‌کشند.» یزید سربезیر انداخت و از کشتن امام سجاد علیه‌السلام صرف‌نظر کرد.

## (ز) معرفت بالای دینی و جانبازی در راه اسلام

نماز در مشکلات، تسلی دل و مایه صبوری و بردباری است. شناخت حق از باطل و معرفت بالا، نسبت به تعالیم دین و آشنایی با انحراف دین از ویژگی‌های آنان بود. محمد با اینکه نوجوانی بیش نیست، هنگام رجزخوانی در میدان جنگ می‌گوید: «از دشمنان کوردل و پستی که به جنگ ما آمده و دستورهای قرآن را وارونه کرده و کفر و طغیان را آشکار کرده‌اند، به خداوند شکایت



می‌کنم.» سپس شجاعانه جنگید و به همراه عون به شهادت رسید. امام محمدباقر علیه‌السلام که در کربلا کودک خردسالی بیش نبود، وقتی یزید تصمیم به کشتن پدرش امام سجاد علیه‌السلام می‌گیرد و نظر مشاورانش را در این زمینه می‌خواهد و آنها پاسخ مثبت می‌دهند، به یزید می‌فرماید: «ای یزید! اینها برای خوشایند تو، برخلاف هم‌نشینان فرعون رأی دادند. آن‌گاه که فرعون درباره موسی و هارون با آنها مشورت کرد، گفتند: موسی و برادرش را مهلت بده! اما اینان رأی به کشتن ما دادند و این بی‌علت نیست.» یزید گفت: علت آن چیست؟ فرمود: «آنها عاقل بودند و اینها نادان؛ زیرا جز حرام‌زادگان، پیغمبران و فرزندان آنان را نمی‌کشند.» یزید سربه‌زیر انداخت و از کشتن امام سجاد علیه‌السلام صرف‌نظر کرد.

### ح) حس مسئولیت نسبت به کوچک‌تر از خود

در برابر توطئه‌های دشمن باید هشیار باشیم. هنگامی که قاتل می‌خواهد سر فرزندان مسلم را از تن جدا کند، برادر بزرگ‌تر ابتدا از قاتل می‌خواهد که چون مادر، برادر کوچک‌تر را به او سپرده است، ابتدا او را بکشد تا شاهد کشته‌شدن برادر کوچک‌تر خود نباشد.

### ط) وفاداری

وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت نسبت به کوچک‌تر از خود. کودکان و نوجوانان عاشورایی، با وجود کوچکی و کمی سن، وفادارترین نوجوانان جهان بودند؛ زیرا آنانی که توان جنگیدن و مبارزه نظامی را داشتند، در رکاب عموی خود جنگیدند تا به شهادت رسیدند و آنانی که توان مبارزه را نداشتند، به اسارت درآمدند و پیام مظلومیت و حقانیت شهیدان کربلا را به گوش جهانیان رسانیدند.





فصل پنجم



فصل مسير عشق



## شروع مسیر پیادهروی کجاست؟

برای آن که خود را به شروع مسیر پیادهروی برسانید، از در باب الساعه حرم امام علی (ع) خارج شوید و مستقیم در کناره خیابان امام زین‌العابدین و یا خیابان امام جعفر صادق (ع) حرکت کنید. خود را به بزرگراه کربلا برسانید و در کنار دیگر مشتاقان و زائران حسینی به راه خود ادامه دهید. پیدا کردن ادامه مسیر پیادهروی کار چندان سختی نیست و کافیست تا به دنبال نشانه‌ها و خیل جمعیت بروید.

## برای پیدا کردن مسیر چه کنیم؟

از نزدیکی حرم که پیادهروی را شروع کنید، از ابتدا تا آخر مسیر ستون‌هایی می‌بینید که شماره‌گذاری شده‌اند و به آن‌ها «عمود» می‌گویند. از ابتدای نجف تا انتهای شهر ۱۸۲ عمود وجود دارد و از آن پس شماره عمودها دوباره صفر شده و عمودهای بین نجف تا کربلا آغاز می‌شوند. فاصله عمودها ۶۰ متر است و شماره آخرین عمود در ورودی کربلا ۱۴۵۲ است.

## کاربرد عمودها برای چیست؟

عمودها برای محاسبه مسیر طی شده و آدرس دادن کاربرد زیادی دارند. به‌طور مثال برای پیدا کردن یک موکب خاص و یا برای قرارگذاشتن از عمودها استفاده می‌کنند. توصیه می‌شود برای قرارگذاشتن از عددهای رند عمودها استفاده نکنید، چراکه اغلب افراد همین کار را می‌کنند و در نتیجه در این عمودها با شلوغی مضاعفی روبه‌رو خواهید شد. توجه داشته باشید که در فواصل عمود ۱۱۰۰ تا عمود ۱۳۹۰ به‌علت باریک شدن راه عبوری، تعداد موکب‌ها کمتر می‌شوند. بنابراین طوری برنامه‌ریزی کنید که این فاصله را در شب طی نکنید و برای یافتن محل خواب دچار مشکل نشوید.





## پیاده روی بین شهر نجف تا کربلا چقدر زمان می برد؟

طول مسیر دو شهر نجف تا کربلا ۸۵ کیلومتر است که معمولاً در سه روز طی می‌شود.

یعنی روزی در حدود ۲۶.۵ کیلومتر مسیر در پیش دارید و حدود ۷ تا ۸ ساعت پیاده‌روی خواهید داشت.

برای پیاده‌روی سه‌روزه، روز اول تا حدود عمود ۴۸۰ تا ۵۰۰ و روز دوم نیز تا حدود عمود ۱۰۰۰ پیاده‌روی کنید. اگر سرعت پیاده‌روی شما کند است و یا کودکانی همراه خود دارید، نگران نباشید؛ چراکه با پیاده‌روی آهسته هم می‌توانید در چهار یا پنج‌روز مسیر را طی کنید. انتخاب این‌که روزی چقدر پیاده‌روی کنید و یا در کل، چند روز در راه باشید کاملاً به آمادگی جسمانی و توانایی شما برمی‌گردد. از طرفی توجه داشته باشید، علاوه بر سرعت پیاده‌روی شما، میزان استراحت و توقف‌های میان راه هم در طول این سفر تأثیر دارد؛ بنابراین نگرانی نداشته باشید و باتوجه به سرعت خود، برنامه‌ریزی کنید.

## غذا و اقامت در طول مسیر

از مزیت‌های بارز سفر پیاده‌روی اربعین، هزینه کاملاً رایگان آن است! یعنی نه تنها در قبال هیچ امکاناتی از شما پولی دریافت نمی‌شود، بلکه تماماً مورد مهربانی و مهمان‌نوازی عراقی‌ها قرار خواهید گرفت. در طول مسیر بارها افرادی را خواهید دید که با اصرار از شما می‌خواهند غذا یا محل اقامت آن‌ها را بپذیرید.

در تمام مسیر ۸۵ کیلومتری دو شهر نجف تا کربلا، خانه‌ها، اقامتگاه‌ها و حسینیه‌هایی به چشم می‌خورد که برای استراحت زائران ساخته شده و به نام «موکب» شناخته می‌شود. موکب‌ها انواع مختلفی دارند. ممکن است تنها یک چادر عشایری باشد و یا حسینیه‌ای وسیع با گنجایش بیش از هزار نفر. ممکن است یک خانه چندین طبقه باشد و یا خانه‌ای کوچک با شماییلی روستایی. جالب است بدانید که تمام



این ساختمان‌ها برای پذیرایی از زائران اربعین ساخته شده‌اند و در طول سال استفاده دیگری ندارند. گرچه اغلب موبک‌ها، عراقی هستند اما صاحبان موبک‌ها از مکان‌ها و حتی کشورهای مختلف هستند. شما در طول مسیر موبک‌هایی ایرانی، لبنانی، پاکستانی، ترکی و ... را هم خواهید دید.

خوب است همین‌جا این نکته را بگویم که در اغلب موبک‌ها پتوهای تمیز و گلبافتی را می‌بینید که شاید اصلاً انتظارش را نداشته باشید! و البته اگر چندین پتو احتیاج داشته باشید، موبک داران با مهربانی در اختیار شما خواهند گذاشت.

همان‌طور که گفته شد تمام وعده‌ها به رایگان و با رویی باز در اختیار شما گذاشته می‌شود. ایستگاه‌های غذا به قدری زیاد و متنوع هستند که از ساندویچ فلافل تا پلو ماهی را می‌توان دید. در طول پیاده‌روی مرتب عراقی‌ها را می‌بینید که از شما خواهش می‌کنند مهمانشان شوید و شما نمی‌دانید از کدام انتخاب کنید. منتها به ساعات غذا توجه داشته باشید، گرچه در تمام ساعات روز در همه موبک‌ها پذیرایی خواهید شد، اما وعده‌های اصلی صبحانه، ناهار و شام تنها در همان ساعات خودشان، یافت می‌شوند. به طور مثال صبحانه را بعد از نماز صبح تا ساعات اولیه روز مانند ۷ تا ۸ و ناهار را از ۱۲ تا ساعات ۱ و ۲ می‌توانید صرف کنید. اما ساعات سرو شام بازه وسیع‌تری دارد و از غروب آفتاب تا ساعت ۱۰ شب نیز می‌توانید در موبک‌ها شاهد توزیع غذا باشید. به این ترتیب در ساعت هر یک از وعده‌ها کافی است به یکی از موبک‌ها مراجعه کنید و غذای خود را دریافت کنید. جالب آنکه اگر در موبکی در حال استراحت باشید، خادمان و مسئولان موبک، غذا را برای شما می‌آورند.

نوشیدنی‌ها: از اول تا انتهای مسیر، ایستگاه‌های چای و قهوه عربی را به‌وفور خواهید دید که اغلب در استکان‌های کمرباریک و نعلبکی سرو می‌شوند. البته در سال‌های اخیر استفاده از لیوان یک‌بارمصرف



باب شده است. اگر دغدغه بهداشت و محیط‌زیستی دارید، توصیه می‌کنیم لیوان خودتان را همراه داشته باشید. برای نوشیدن آب هم نگران نباشید، در اغلب مسیر می‌توانید بطری‌های آب‌معدنی را به رایگان تهیه کنید.

## مرزهای مشترک ایران و عراق

ایران و عراق ۴ پایانه مرزی مشترک دارند که محل قرارگیری و دسترسی هر یک به شهر نجف متفاوت است. مرز مهران: مهم‌ترین و شلوغ‌ترین مرز است که در جنوب استان ایلام قرار دارد. از این مرز تا نجف حدود ۴ تا ۶ ساعت راه در پیش دارید. مرز شلمچه: در استان خوزستان قرار دارد و از این مرز تا شهر نجف ۵ تا ۸ ساعت راه پیشروی شماست. مرز چذابه: این مرز نیز در استان خوزستان قرار گرفته و با شهر نجف فاصله‌ای ۴ تا ۷ ساعته دارد. مرز خسروی: این مرز در استان کرمانشاه است و با نجف فاصله‌ای ۵ تا ۷ ساعته دارد.

## تدابیر درمانی و پیشگیری

### نکات کلی

- ۱- می‌توانید یک عدد کیف کمری، کرم ضد سوختگی و یا پودر بچه، چند عدد چسب زخم، یک جفت جوراب اضافه و دستمال کاغذی را نیز به همراه داشته باشید.
- ۲- حتماً اگر داروی خاصی مصرف می‌کنید، به مقدار مدت حضورتان در کشور عراق به همراه خود ببرید.
- ۳- از جمله آداب مهم غذاخوردن در هنگام پیاده‌روی برای جلوگیری از مشکلات روده و سنگینی این است که قبل و بعد از غذا

مقداری نمک بخورید، تا زمانی که کاملاً گرسنه نشده‌اید، سراغ غذا خوردن نروید، قبل از سیری کامل از غذا خوردن دست بکشید.

۴- پیشنهاد می‌کنیم که اگر در طول پیاده‌روی به هر دلیلی دچار مشکلات روده و یا هضم شدید، مقداری از گیاهان خشک‌شده‌ای همچون: نعنا، پونه، آویشن، بابونه، زنیان و یا دیگر گیاهان را به همراه داشته باشید تا در صورت وجود مشکل در یک لیوان آب جوش آن‌ها را بریزید و پس از ۱۵ الی ۲۰ دقیقه میل نمایید.

۵- از جمله خوردنی‌های نکات پیاده‌روی اربعین این است که اگر یک‌سری از خوراکی‌ها همچون خرما، کشمش و دانه‌های روغنی که انرژی‌زا و غیرفاسد شدنی هستند در طول این پیاده‌روی با شما باشند، بد نیست.

۶- در زمان استراحت بهتر است افراد پاهای خود را ۳۰ سانتی‌متر بالاتر از بدن خود نگه دارند تا جریان خون به خوبی انجام شود.

۷- نیازی نیست نگران به پایان رساندن مسیر باشید. در هر جایی تصور کردید که دیگر توانایی ادامه‌دادن مسیر را ندارید می‌توانید از صدها ون، ماشین و یا اتوبوس‌هایی که در مسیر هستند برای رسیدن به کربلا استفاده کنید.

۸- در پیاده‌روی سه‌روزه، تاول پا یکی از اتفاقات شایع است که به علت نبود کفش و یا پاپوش مناسب اتفاق می‌افتد. در صورتی که پای شما تاول زد، اگر این اتفاق برایتان افتاد، تاول‌هایتان را دست‌کاری نکنید. به جای این کار نخ و سوزن همراه داشته باشید. سوزن را با پنبه الکی یا آتش استریل کنید و در کنار آن سوراخی ایجاد کنید. سوراخ‌ها را با سوزن بیشتر باز کنید تا بسته نشود. با کمی فشار محتویات تاول را خالی کنید، به لای پوستی روی تاول کاری نداشته باشید و باقی مسیر از



دمپایی استفاده کنید. اگر آزرده‌گی پای شما شدید شد، حتماً به بخش‌های درمانی موجود در مسیر مراجعه کنید.

۹- خوب است بدانید در تمام مسیر میان دو شهر نجف تا کربلا، بخش‌های درمانی و ایستگاه‌های امدادی به چشم می‌خورند. همچنین ایستگاه‌های هلال احمر را می‌توانید در این مسیر ببینید. به این ترتیب در صورت بروز هر گونه ناراحتی و بروز مشکلات جسمی، حتماً به این بخش‌ها مراجعه کنید. همان طور که می‌توانید حدس بزنید، تمام خدمات رایگان هستند.

۱۰- یک اصل مهم در پیاده‌روی اربعین سبک سفر کردن است. بار اضافی بردارید که زحمت خودتان زیاد می‌شود. کم بخورید، کم بنوشید و استراحت کافی داشته باشید. در مسیر سفر به خصوص کسانی که ولایی هستند، به عکس‌های صادق شیرازی کاری نداشته باشید. همچنین با عراقی‌هایی که به هر دلیل تصور خوبی از ایرانی‌ها ندارند، بحث و جدل نکنید.

۱۱- هنگام استراحت زمانی که کوبه پشته‌ی را برمی‌دارید، مراقب سرماخوردگی باشید. کمر شما احتمالاً از تعریق زیاد خیس شده و مستعد کمردرد و سرماخوردگی هستید.

۱۲- ضربه زدن روی کتف‌ها و ماساژ گوش بهترین روش برای رفع خستگی است.

## درمان و پیشگیری بیماری‌ها

### کمر درد

- در طول پیاده روی کمر خود را با شال یا گن پشمی محکم ببندید.

- از کوله استاندارد استفاده کنید و بندهای کمری کوله را محکم ببندید.



### تدابیر رفع عطش

- پرخوری نکنید
- آب را مخلوط با کمی اب لیمو ترش بنوشید
- در هنگام پیاده روی ده‌ها را ببندید و از راه بینی نفس بکشید
- در طول مسیر از زیاد حرف زدن پرهیزید

### اسهال

- جویدن یا دمنوش نعنا، پونه، اویشن و...
- اگر آب زیادی از بدن دفع شده آب نمک رقیق درست کنید و مقداری نمک اضافه و میل کنید.

### وسایل مورد نیاز

#### کفش مناسب

- کفش علاوه بر سبک بودن و برخورداری از کفی مناسب، نباید بسیار بزرگ باشد، به نحوی که پا در آن، رها باشد و به گونه‌ای هم کوچک نباشد که پا، تحت فشار قرار گیرد.
- توصیه می‌شود کفش‌های دارای بند پوشیده نشود، بلکه کفش مناسب و آزاد تهیه شود؛ چرا که زائران در طول مسیر، دائماً برای استراحت یا وضوگرفتن، ناگزیر به درآوردن کفش هستند.
- بهتر است از کفش چرمی که مدتی استفاده شده و نه خیلی گشاد و نه خیلی چسبان باشد، برای این مسیر استفاده شود.

#### چفیه

- چفیه برای پوشاندن سر و گردن، خشک کردن دست و صورت و موارد دیگر کاربرد دارد





فصل ششم



# فصل حریم عشق





## آشنایی با سرزمین عراق و تاریخچه عراق

عراق دارای تمدن و فرهنگ دیرینه و پربراری است. سومریان، اکدی‌ها و آشوری‌ها نخستین تمدن‌های باستانی عراق را چند هزار سال پیش از میلاد بنیاد نهادند. در دوران پیش از اسلام، عراق کنونی جزئی از ایران بود. پس از اسلام، عراق مرکز حکومت درازمدت خلافت عباسی شد. از نیمه قرن دهم تا پایان قرن سیزدهم هجری شمسی، عراق تحت حکومت امپراتوری عثمانی قرار داشت. عراق در سال ۱۹۱۹ از عثمانی جدا شد و به سرپرستی بریتانیا درآمد و در سال ۱۹۳۲ استقلال یافت.

عراق از نظر مذهبی به دو فرقه بزرگ اسلامی یعنی شیعه و سنی تقسیم می‌شود. حدود ۶۰٪ مردم عراق شیعه، ۳۷٪ سنی و ۳٪ پیروان سایر ادیان هستند. از نظر نژاد، اقوام مختلفی در عراق زندگی می‌کنند: ۷۰٪ عرب، ۲۰٪ کرد، ۴٪ فارس و ۵ درصد ترکمن، آشوری و سایر اقوام. در سنوات متمادی، عده‌ای از مردم ایران به آنجا مهاجرت کردند و به واسطه وجود اعتبار مقدسه شیعیان به این سرزمین مسافرت می‌کنند. با آنکه زبان رسمی کشور عراق عربی است، با این وجود به زبان‌های کردی، ترکی و فارسی نیز صحبت می‌شود.

## ماجرای شهرها

### نجف

شهر نجف که هم اکنون به شهر کوفه متصل شده، از زمان طوفان نوح سرزمین بلندی بوده که آب آن را فرامی‌گرفت. نجف مخفف (نی جف) است، یعنی دریای خشک شده. طبق روایات، نجف مهبط اولیای خدا، خانه هجرت انبیا و محل قرار کشتی نوح بوده و ابراهیم خلیل در این سرزمین زیسته است.



وقتی حضرت امیر در سال ۴۰ هجری شهید شد، امام حسن و امام حسین طبق دستور آن حضرت، پیکرش را شبانه و پنهانی تشییع کردند و در مرقد پاکش در نجف به خاک سپردند تا خوارج نسبت به بدن مطهر او جسارت نکنند.

روزی هارون که به شکار رفته بود، در منطقه غریین آهواری را دید. در پی آن، باز و سگ شکاری فرستادند. پس از مدتی، آهواری به تپه‌ای پناهنده شدند. بازها و سگ‌ها برگشتند. آهواری برگشتند و بازها و سگ‌ها دوباره در پی آنها روان شدند. آهواری باز هم به همان تپه پناهنده شدند. این صحنه سه بار تکرار شد. به دستور هارون، پیرمردی را از بنی‌اسد در آن منطقه یافتند. هارون ماجرای تپه را پرسید. او امان خواست و سپس به نقل از پدرانش گفت که در این تپه، قبر علی بن ابی‌طالب (ع) است. خداوند آن حرم و پناهگاه را قرار داده و هرکه به آنجا پناه آورد، ایمن است.

پس از آشکارشدن قبر امیرالمؤمنین در نجف، آبادانی در اطراف مرقد مطهر ایشان شروع شد و علویان در آنجا ساکن شدند و باگذشت زمان، آبادتر شد. یک قرن نگذشته بود که در نجف، غیر از شیعیان، بیش از ۱۹۰۰ نفر از سادات علوی می‌زیستند.

### حرم مطهر حضرت امیر (ع)

حرم امیرالمؤمنین علی (ع) در مرکز شهر نجف واقع شده است. این آستان مقدس دارای یک گنبد طلایی عظیم، یک گنبدخانه، رواق‌های متعدد و یک صحن است. نخستین ساختمان حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام در زمان هارون‌الرشید عباسی بنا شد و بعد از آن مدام مورد بازسازی و توسعه قرار گرفته است. ساختمانی امروزی حرم مطهر از آثار صفویه است که گنبد باشکوه و ایوان آن به دستور نادرشاه افشار با خشت‌های طلایی تزیین شده است و آیینه‌کاری آن را هنرمندانی از اصفهان انجام دادند. مزار حضرت



علی علیه السلام درون صندوقی نفیس از خاتم، متعلق به زمان شاه اسماعیل صفوی و ضریحی نقره‌ای واقع شده است.

در چهارسوی مرقد، رواق‌های باشکوهی وجود دارد که توسط هنرمندان ایرانی تزیین شده‌اند. حرم مطهر، صحن بسیار بزرگی دارد که مرقد امام شیعیان را دربرگرفته است. نمای این صحن که متعلق به زمان صفوی و مزین به کاشی‌های خشتی است، دو ویژگی منحصربه‌فرد دارد؛ اول آنکه در تمام فصول سال، در هنگام ظهر شرعی، سایه سمت شرق از بین می‌رود. ویژگی دوم آن است که در هنگام بامداد، اولین اشعه آفتاب از میان بازار بزرگ شهر می‌گذرد و پس از عبور از دروازه صحن به ضریح مقدس می‌تابد. در گرداگرد صحن، اتاق‌هایی وجود دارد که متعلق به آرامگاه بزرگان است. صحن، چهار دروازه اصلی دارد و بزرگ‌ترین آن‌ها «باب الذهب» واقع در سمت شرق است. دروازه شمالی به «باب الطوسی» و دروازه جنوبی به «باب قبله» و دروازه غربی به «باب سلطانی» مشهور است.

مسجد عمران بن شاهین، مسجد خضراء، تکیه بکتاشیه، مسجد الرأس، ایوان العلما، موضع الاصبغین و حسینه صحن شریف از دیگر بخش‌های حرم مطهر هستند.

### ایوان العلما

در وسط ضلع شمالی رواق مطهر واقع شده است از آنجا که تعدادی از علمای بزرگ در آنجا مدفون هستند به این نام نهاده شده است

### وادی السلام

قبرستان وادی السلام واقع در شمال شرقی نجف اشرف، یکی از مقدس‌ترین گورستان‌های شیعیان و جهان اسلام است. مقبره حضرت هود، مقبره حضرت صالح و قبر بسیاری از علما، سادات



و مقام صاحب الزمان (عج)، مقام امام صادق (ع) و مقام امام سجاد (ع) در این قبرستان واقع شده است. فضایل بسیاری برای این قبرستان ذکر شده است، همچنین در روایات آمده: «هر مؤمنی در هر جایی از زمین بمیرد به روح او ندا می‌رسد که به وادی السلام بپیوندد که جایگاهی از بهشت است.» و فرشته‌ای به نام «ملک نقاله» وجود دارد که ارواح مؤمنان را از سراسر جهان به این گورستان می‌آورد.

### مقام صاحب الزمان (عج)

مقام صاحب الزمان (عج) واقع در قبرستان وادی السلام، جایگاهی مقدس است که به آن حضرت نسبت داده می‌شود و مردم برای زیارت و برگزاری نماز به آنجا می‌روند. محدث نوری در مورد تاریخچه مقام حضرت مهدی می‌نویسند: در سمت غربی قبرستان وادی السلام مقام مقدس حضرت مهدی واقع شده که از برای آن صحن، گنبد، مقام و بارگاهی است.

### مقام امام زین العابدین (ع)

طبق روایات، مقام امام زین العابدین (ع)، جایگاهی واقع در غرب نجف است که امام سجاد (ع) در هنگام زیارت قبر جد خود، در آنجا نماز می‌خوانده است.

### مرقد صافی صفا یمانی

نقل کرده‌اند که روزی امیرالمؤمنین (ع) در کنار صحرای نجف نشسته بود. ناگاه دید که شخصی بر ناقه‌ای سوار است و جنازه‌ای در پیش خود گرفته است و به سوی نجف می‌آید. نزدیک شد و حضرت از او پرسید: «از کجا می‌آیی؟» گفت: «از یمن.» حضرت پرسیدند: «این جنازه کیست؟» جواب داد: «جنازه پدرم را آورده‌ام که در این زمین دفن کنم.» حضرت فرمودند: «چرا در شهر دفن

نکردید؟» گفت: «پدرم چنین وصیت کرد: مردی در آنجا مدفون خواهد شد که به شفاعت او به اندازه تعداد دو قبیله عظیم عرب، آمرزیده می‌شوند.» حضرت فرمودند: «آن مرد را می‌شناسی؟» گفت: «نه.» حضرت سه مرتبه فرمودند: «آن مرد من هستم.» سپس حضرت برخاستند و آن جنازه را دفن کردند. مقبره الصفا در قسمت غرب حرم مطهر امیرالمؤمنین کنار مقام امام زین العابدین (ع) قرار دارد.

### آرامگاه شیخ طوسی

آرامگاه شیخ طوسی که امروزه به نام «جامع الشیخ الطوسی» شناخته می‌شود در نزدیکی حرم مطهر حضرت علی (ع) قرار دارد. این آرامگاه متعلق به شیخ طوسی، یکی از مشاهیر فقهای امامیه و بنیان‌گذار حوزه علمیه نجف است. آرامگاه شیخ طوسی در محل خانه او ساخته شده است که پس از مدتی به مسجد تبدیل شد و در طول ده قرن گذشته، یکی از مراکز اصلی تدریس حوزه نجف به شمار می‌رود. مسجد شیخ طوسی یکی از مساجد مشهور نجف است و آرامگاه محمدمهدی طباطبایی معروف به بحر العلوم، یکی از مشاهیر علمای امامیه نیز در گوشه‌ای از این مسجد قرار دارد.

### مساجد نجف

#### مسجد شیخ انصاری

مسجد شیخ انصاری که به نام مسجد ترک‌ها هم شناخته می‌شود، با یاری و نظارت شیخ مرتضی انصاری در محله «حویش» ساخته شد. برخی از کلاس‌های درس بزرگان و عالمان حوزه علمیه نجف در این مسجد برگزار می‌شود. امام خمینی (ره) و سید محمدکاظم طباطبایی از عالمان عصر قاجار نیز در این مسجد تدریس می‌کردند.



### مسجد هندی

مسجد هندی یکی بزرگ‌ترین و مشهورترین مساجد نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است. هر سال، مراسم عزاداری محرم در این مسجد برگزار می‌شود. کتابخانه آیت‌الله حکیم و آرامگاه او در کنار این مسجد قرار دارد. این مسجد در ابتدای شارع الرسول بنا شده است.

### مسجد خضراء

مسجد خضراء، یکی دیگر از مساجد مشهور نجف است که سال‌ها به‌عنوان محل تدریس در حوزه علمیه نجف مورد استفاده بوده است و آیت‌الله خویی در این مسجد تدریس می‌کردند. لین مسجد در ضلع شرقی صحن مطهر واقع شده است.

### مسجد جواهری

مسجد جواهری، محل دفن صاحب جواهر (رحمة‌الله) است و به همین دلیل به این نام شهرت دارد.

### مسجد حنانه

مسجد حنانه در محله‌ای به همین نام، در بزرگراه نجف - کوفه واقع شده است. بنا به روایات، هنگامی که سر امام حسین (ع) را در مکان این مسجد بر زمین گذاشتند، از آن ناله‌ای بلند شد، به همین دلیل به حنانه مشهور است.

### بزرگان نجف

#### علامه حلی

شیخ جمال‌الدین ابومنصور حسن بن سدیدالدین یوسف بن علی بن مطهر حلی، معروف به «علامه حلی» و خواهرزاده محقق حلی، از علمای بزرگ شیعه در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم

هجری است. او در سال ۶۴۸ ه.ق، در شهر حله به دنیا آمد. او نزد علمای بزرگ عصر خویش، به شاگردی و آموختن علوم مختلف پرداخت که مهم‌ترین آن‌ها، دایی وی، «محقق حلی» بود. از دیگر اساتید ایشان، می‌توان از پدرش سدیدالدین یوسف حلی، نجیب‌الدین یحیی هُذَلی، جمال‌الدین احمد بن طاووس، سید رضی‌الدین علی بن طاووس، کمال‌الدین میثم بحرانی و خواجه نصیرالدین طوسی نام برد.

بی‌شک، مناظرات علامه حلی با علمای اهل سنت در محضر الجایتو (سلطان محمد خدابنده)، پادشاه ایلخانی در ایران، یکی از عوامل گرویدن این سلطان به مذهب تشیع بود. از این رو، علامه حلی نقش تأثیرگذاری در گسترش تشیع در ایران داشته است.

از علامه حلی، آثار و تألیفات متعددی در زمینه‌های گوناگون، از جمله در فقه و اصول، کلام و اعتقادات، حدیث و رجال، منطق و فلسفه، تفسیر، ادب و... به جا مانده است. عناوین برخی از تألیفات مهم ایشان، عبارت است از: منهاج الیقین، کشف المراد، کشف الفوائد، منهاج الکرامه، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، ایضاح الاشتباه، تلخیص المرام، مختلف الشیعه، نهج المسترشدين، نهج الحق و کشف الصدق و کشف الیقین فی فضائل امیرمؤمنان (علیه السلام).

سرانجام این عالم بزرگوار، در شب ۲۱ محرم سال ۷۲۶ ه. ، در زادگاهش شهر حله درگذشت و جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در حرم مطهر امیرمؤمنان (علیه السلام) به خاک سپردند. قبر وی تا به امروز در حجره سمت راست ایوان طلای آستان مطهر باقی و زیارتگاه شیعیان است. روی قبر وی، ضریح مشبک چوبی نصب شده است.





### مقدس اردبیلی

علامه احمد، فرزند محمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی، از مشاهیر علمای شیعه در دوره صفوی است. او در اردبیل، متولد شد و در نجف اشرف، سکونت داشت. او عالمی متکلم و فقیهی بزرگ بود. از ایشان، تألیفات زیادی به جای مانده است؛ از جمله: آیات الاحکام، مجمع البرهان، شرح بر ارشاد و حدیقه الشعرا. او در سال ۹۹۳ ه. ق. در نجف درگذشت و در ایوان طلای حرم امام علی (علیه السلام)، کنار قبر علامه حلی، به خاک سپرده شد.

### ملا احمد نراقی

حاج ملا احمد نراقی کاشانی، متخلص به «صفایی»، فرزند حاج ملا مهدی نراقی، از علما و مجتهدان مشهور و شاعران صوفی منش قرن سیزدهم هجری است. او در سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ ه. ق. در نراق کاشان متولد شد. در آغاز، نزد پدرش ملا مهدی نراقی تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات، عازم عراق گردید و دیری نگذشت که حوزه درس او، محل رجوع بزرگان علما گردید. شیخ مرتضی انصاری و حاج سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری از دیگر علمای تشیع، از شاگردان وی بودند. او در سال ۱۲۴۵ ه. ق. بر اثر بیماری وبا در نراق درگذشت. جنازه اش به نجف اشرف انتقال یافت و در ایوان علمای حرم مطهر به خاک سپرده شد.

### شیخ مرتضی انصاری

شیخ مرتضی انصاری از علما و مراجع بزرگ شیعه در سده سیزدهم هجری است. او در سال ۱۲۱۴ ه. ق. در دزفول متولد شد. مقدمات را نزد عمویش، فراگرفت و سپس به همراه پدرش به عراق رفت. مدت چهار سال در کربلا تحصیل کرد و بعد از اینکه عثمانی ها کربلا را محاصره کردند، به وطن بازگشت. پس از اینکه غائله رفع شد، بعد از دو سال به کربلا بازگشت و نزد «شریف العلماء» تحصیلات



خود را دنبال کرد. سپس به نجف اشرف رفت و به مدت دو سال از محضر درس شیخ موسی، فرزند کاشف الغطاء، استفاده نمود. آن‌گاه دوباره به وطن بازگشت و در شهرهای مشهد، کاشان و دزفول، به تصنیف و تدریس و ارشاد مردم پرداخت. در سال ۱۲۴۹ هـ. ق که به نجف بازگشت، از استادان مشهور حوزه علمیه بود. ایشان در سال ۱۲۶۶ هـ. ق که مرحوم صاحب جواهر درگذشت، مرجع تقلید شیعیان شد و ریاست مطلق حوزه علمیه به او رسید. سرانجام در ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۲۸۱ هـ. ق، درگذشت و در سمت راست درگاه قبله صحن مقدس امام علی (علیه‌السلام) دفن شد. بعضی از آثار وی عبارت است از: اثبات التسامح، الارث، الاستصحاب، التقیه، حجیت ظن، حجیت قطع، المکاسب، الصلوه، الطهاره و رسائل.

### میرزای شیرازی

میرزا محمدحسن شیرازی، فرزند میرزا محمود خوشنویس، معروف به «میرزای شیرازی»، از علما و مراجع بزرگ تقلید جهان تشیع در سده سیزدهم است. او در نیمه جمادی‌الاول ۱۲۳۰ هـ. ق در شیراز متولد شد. مقدمات، حکمت، فلسفه، نجوم و علوم عقلی را در اصفهان فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری، به درجه عالی اجتهاد رسید و مشغول تدریس گردید. در سال ۱۲۹۳ هـ. ق، به سامرا مهاجرت نمود و تدریس را آغاز کرد. در سال ۱۳۰۹ هـ. ق که ناصرالدین‌شاه قاجار، امتیاز تنباکو را به دولت انگلیس داد، وی به تحریم تنباکو و لغو قرارداد فتوا داد. این فتوا چنان مؤثر واقع شد که حتی همسران شاه و درباریان، قلیان‌های خود را شکستند. این مجتهد مبارز در شب ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ هـ. ق به علت بیماری سل در سامرا، درگذشت. جنازه‌اش را به نجف اشرف بردند و در صحن شریف کنار باب طوسی، به خاک سپردند.



آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ محمدباقر اصطهباناتی و... از شاگردان وی بودند.

### آخوند خراسانی

ملا محمدکاظم معروف به «آخوند خراسانی»، فرزند ملاحسین، از فقها و مراجع بزرگ شیعه در دوره قاجار است. او در سال ۱۲۵۵ هـ. ق، در مشهد متولد شد و پس از تحصیلات علوم عقلی در تهران، به نجف اشرف رفت و در خدمت شیخ انصاری و میرزای شیرازی، به درجه اجتهاد رسید و پس از مهاجرت میرزای شیرازی به سامرا، بر مسند تدریس نشست. آخوند خراسانی در اواخر عمر، حکم به خلع محمدعلی شاه قاجار داد و در جنگ جهانی اول که ایران به دو بخش تحت نفوذ روس و انگلیس درآمد، به شدت نسبت به تهاجم آنان اعتراض کرد. سرانجام در شب چهارشنبه ۲۱ ذی حجه سال ۱۳۳۹ هـ. ق، در حالی که به اتفاق عده‌ای، قصد مسافرت به ایران داشت، بر اثر سگته از دنیا رفت و جنازه‌اش را در مقبره میرزای رشتی، در دالان سلطانی صحن حضرت امیر (علیه السلام) به خاک سپردند. برخی آثار وی عبارت است از: کفایه الاصول، کتاب اجاره، کتاب اجتهاد و تقلید، حاشیه بر اسفار و حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ انصاری.

### شیخ عباس قمی

حاج شیخ عباس، فرزند محمدرضا قمی از مشاهیر علما و محدثان شیعه در سده چهاردهم هجری است. او در سال ۱۲۹۴ هـ. ق، در قم متولد شد و در ۱۸ سالگی به نجف رفت و در خدمت میرزا حسین نوری به تحصیل پرداخت و پس از وفات وی در سال ۱۳۲۰ هـ. ق، به قم بازگشت و در آنجا به تألیف و موعظه مشغول گردید. در سال ۱۳۳۲ هـ. ق، به مشهد رفت و به تألیف پرداخت. سپس در سال ۱۳۵۲ هـ. ق، به نجف برگشت تا اینکه در سال ۱۳۵۹ هـ. ق،



درگذشت و کنار استاد خود، حاج میرزا حسین نوری، در صحن حرم امیرمؤمنان (علیه السلام) به خاک سپرده شد. آثار زیادی از وی به جای مانده است؛ از جمله مفاتیح الجنان، منتهی الآمال، الکنی واللقاب، هدیه الاحباب، الفوائد الرضویه و نفس المهموم.

### شهید سید مصطفی خمینی

شهید سید مصطفی خمینی، فرزند برومند حضرت امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۰۹ ه. ش، در شهر قم به دنیا آمد. پس از تکمیل تحصیلات ابتدایی خود، در سال ۱۳۲۴ ه. ش، وارد حوزه علمیه شد و بعد از شش سال، در سن ۲۲ سالگی به دروس خارج حوزه رسید و از علما و اساتید بزرگی، همچون آیات عظام حجت، بروجردی، محقق داماد و نیز پدر گرامی‌اش امام خمینی، بهره برد. سپس به همراه پدر گرامی‌اش، به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا از محضر آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی، محمدباقر زنجانی و سید محسن حکیم بهره برد. او افزون بر تدریس علوم اسلامی، آثار و تألیفات فراوانی از خود به جای گذاشت که از آن جمله، می‌توان به تفسیر القرآن الکریم (در چهار جلد)، شرح زندگانی ائمه معصوم (تا زندگانی امام حسین (علیه السلام))، تطبیق هیئت جدید بر هیئت و نجوم اسلامی، القواعد الحکمیة (حاشیه بر اسفار)، کتاب البیع (در سه جلد)، مکاسب محرمة (در دو جلد) و تعلیقه بر عروه الوثقی اشاره کرد. شهید سید مصطفی خمینی، کنار پدرش، به مبارزه و فعالیت سیاسی و بیدارگری اسلامی می‌پرداخت و به همین علت، با توطئه نظام طاغوتی ایران، در سن ۴۷ سالگی به شیوه مشکوکی، مسموم شد و به شهادت رسید. جنازه وی را در آستان مقدس علوی، در مقبره علامه حلی، به خاک سپردند.



## سید ابوالقاسم خوئی

آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، فرزند سید علی‌اکبر، از مراجع بزرگ جهان تشیع در دوره اخیر است. در نیمه رجب ۱۳۱۷ ه.ق، در شهر خوی به دنیا آمد. پدرش از علمای مشهد و از ائمه جماعات مسجد گوهرشاد بود. او پس از تحصیلات سطوح اولیه در سال ۱۳۳۰ ه.ق، با برادر بزرگش حاج سید عبدالله، به نجف مشرف شد و به ادامه تحصیل پرداخت و در محضر آیات عظام نائینی، عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی شاگردی کرد. پس از فراغت از تحصیل و وفات استادانش، حوزه درس مستقلی تشکیل داد و فضیله‌ای حوزه، از همه جا، در درس او شرکت می‌کردند. از آثار علمی ارزنده‌اش، می‌توان از البیان فی تفسیر القرآن، معجم رجال الحدیث، تقریرات فقه، فقه استدلالی، حاشیه بر عروه الوثقی و نفحات الاعجاز را نام برد. از اقدامات مهم ایشان، نشر فرهنگ شیعی از طریق ایجاد مدارس علوم دینی و مساجد در نقاط مختلف جهان بود. سرانجام ایشان در سال ۱۴۱۳ ه.ق، درگذشت و در بارگاه امیرمؤمنان (علیه‌السلام) به خاک سپرده شد.

## کربلا

کربلا در ناحیه غربی فرات قرار دارد و فاصله‌اش تا بغداد ۱۰۸ کیلومتر است. تاریخ کربلا به دوران بابلی‌ها باز می‌گردد، بعضی دیگر معتقدند تاریخ کربلا به تمدن‌های بین‌النهرین باز می‌گردد و در آن معابدی برای نماز وجود داشته است.

کربلا مرکب از دو واژه اشوری کرب به معنای حرم و ایل به معنای خدا است و معنای کربلا حرم خداست.

اما امام حسین وقتی خود به این سرزمین رسید و نام آن را پرسید و در جواب نام کربلا را شنید فرمود:  
اللهم انی اعوذ بک من کرب و البلا



خدایا من از سختی‌ها و بلاهای این سرزمین به تو پناه می‌برم.  
دو روز پس از حادثه عاشورا آبادانی شهر کربلا آغاز گردید.

## اماکن کربلا

### مزار یاران امام حسین علیه‌السلام

عمده یاران امام حسین علیه‌السلام که در واقعه عاشورا به شهادت رسیدند، در نزدیکی امام حسین (ع) دفن شده‌اند؛ اما برخی از آنان به دلایل مختلف در اماکن دیگر دفن شده‌اند عبارت‌اند از:  
حر بن یزید ریاحی، عون بن عبدالله، طفلان مسلم، آرامگاه حبیب بن مظاهر اسدی

### قبور پادشاهان و رجال سیاسی

چند تن از پادشاهان آل بویه در صحن حرم امام حسین دفن شده‌اند. در زمان‌های پیشین، بقعه‌ای بر فراز قبر آنان وجود داشت که در ۱۲۶۸ق تخریب شد. از شاهان و رجال قاجار مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه هستند که در رواق شاهان به خاک سپرده شده‌اند.

## مقام‌ها

### مقام امام صادق علیه‌السلام

در اطراف حرم امام حسین علیه‌السلام، در زمینه‌های معروف به جعفریات، قبه و زیارت گاهی وجود دارد که گفته می‌شود امام صادق علیه‌السلام هنگام زیارت امام حسین علیه‌السلام در آن مکان با آب نهر فرات غسل زیارت می‌کرد. این نقطه در ساحل غربی نهر علقمه قرار دارد و گنبد این مقام با کاشی مزین است.



### مقام حضرت مهدی (عج)

در سمت چپ نهر حسینیہ کنونی، در ورودی کربلا و راه مقام امام صادق علیه السلام، بقعه و مقامی است که گنبد بلندی دارد. این بقعه به یاد و نام حضرت بقیة الله بنا شده است.

### مقام زین العابدین علیه السلام

در ابتدای قرن سیزدهم (۱۲۱۷ق) ابوطالب خان، جهانگرد معروف، به خیمه‌گاه یا مقام زین العابدین اشاره می‌کند که همسر آصف الدوله بنایی روی آن احداث کرده بود. این مقام ظاهراً در کنار بیمارستان امام حسین علیه السلام امروزی است و برخی آن را محل اصلی خیمه‌گاه می‌دانند.

### تل زینیه

در فاصله ۲۰ متری از سمت غرب صحن مطهر، تپه‌ای به ارتفاع ۵ متر وجود دارد که امروزه بر روی آن اتاقی ساخته شده است، این تپه به نام «تلّ زینیه» یا تپه حضرت زینب (علیها السلام) مشهور است و بنا به نقل مورّخان، تپه‌ای بوده است که در روز عاشورا حضرت زینب بر روی آن می‌رفته و از سیر وقایع جنگ آگاهی می‌یافته‌اند.

### خیمه‌گاه

در جنوب صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) و در فاصله ۲۵۰ متری واقع است. (بنا به نقل مورّخان، محلّ برافراشته شدن خیمه‌ها و چادرهای سیدالشهدا (علیه السلام) و یاران او بوده است). امروزه جایگاه خیمه‌ها را با ساختمان‌سازی به تصویر کشیده‌اند.





## کف العباس

در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی حرم مطهر حضرت ابوالفضل (ع) دو جایگاه است که گفته می‌شود دست‌های مبارک آن حضرت در این مکان‌ها از تن جدا شده است.

## نخل مریم

در دیوار جنوبی بالاسر و به فاصله تقریبی دو متر تا ضریح مطهر، محرابی به نام نخل مریم قرار داشت. این محراب نشانی از محل نخل خرمایی بود که حضرت مریم در حین ولادت حضرت عیسی، در آنجا مستقر شد. همان مکان دورافتاده‌ای که قرآن کریم در آیات ۲۲-۲۵ سوره مبارکه مریم بدان اشاره کرده است: پس [مریم] به او [عیسی] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست. تا درد زایمان، او را به‌سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. پس، از زیر [پای] او [فرشته‌ای] وی را ندا داد که غم مدار؛ پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر] و بتکان تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد.

## مدارس دینی کربلا

کربلا دارای حوزه علمیه کهن و مهمی است؛ از این‌رو مدارس دینی فراوان در کربلا دیده می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مدرسه هندیّه، مدرسه حسن خان، مدرسه آیه الله بروجردي، مدرسه بادکوبه، مدرسه کریم‌خان، مدرسه مجاهد، مدرسه بقعه، مدرسه حسینیّه، مدرسه شریف العلما، مدرسه سلیمیّه و...

## مساجد کربلا

شهر کربلا بیش از یک‌صد مسجد دارد که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: مسجد رأس الحسین (ع)، مسجد عمران بن شاهین، مسجد



شهید ثانی، مسجد سردار حسن خان، مسجد ناصری، مسجد شهرستانی، مسجد حمیدیه، مسجد سید علی نقی طباطبائی، مسجد کبیس، مسجد شیخ یوسف بحرانی، مسجد شیخ خلف، مسجد اردبیلی‌ها، مسجد حاج نصرالله، مسجد خیمه‌گاه.

## بزرگان کربلا

یکی از مشهورترین شخصیت‌های ایرانی دفن شده در کربلای معلی، امیرکبیر است که توانست در مدت کوتاه صدارت خود که به ۴۰ ماه رسید، تغییرات عمده‌ای ایجاد کند. سیدرضی مشهور به شریف رضی فرزند ابو احمد حسین، برادر بزرگوار سید مرتضی و از عالمان و متکلمان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است. علت عمده اشتهار سیدرضی، جمع‌آوری نهج البلاغه است. شیخ محمدتقی شیرازی از مراجع بزرگ شیعه و از رهبران قیام مردم عراق علیه سلطه انگلستان (۱۹۲۰ م) است که با مجاهدت‌های خود، سلطه و نفوذ انگلیس را در عراق از بین برد. او را در ضلع جنوب شرقی صحن در مقبره اختصاصی خود دفن کردند. در ۱۲۶۳ق، هنگام توسعه صحن، بقعه‌ای به نام «ایوان شیرازی» به مساحت دویست متر در کنار آن قبر بنا شد که محل تدریس و تحصیل طلبه‌ها شده بود ولی به دستور رژیم بعث تعطیل شد.

## کاظمین

کاظمین باغ شونیز بود در کنار بغداد منصور عباسی این باغ را به‌عنوان مقابر قریش قرار داد. به دستور هارون امام موسی کاظم ع از مدینه به بغداد آورده و در این شهر زندانی شد به دستور خلیفه امام کاظم در زندان مسموم و به شهادت رسید. بدن مطهر امام را جایی که امام قبلاً آن را خریده بود به خاک سپردند. بعدها امام جواد به دستور معتصم عباسی شهید و مسموم شد و ایشان نیز در جوار قبر جدش دفن شد. به امر آل بویه مجدداً بقعه‌ای با شکوه بنا شد و بر فراز هر قبر ضریحی



از چوب ساختند و به مرور زمان این شهر آباد شد و محل رفت و آمد محبین اهل بیت شد.

### سامرا

پادشاهان ساسانی در شهر سامرا به دلیل آب و هوای خوب و مساعد، اماراتی داشتند. بعدها این شهر که مرز مملکت ایران و روم بود به تصرف روم درآمد و مردم آن به مذهب عیسوی گرویدند. پس از ظهور اسلام این شهر را از رومیان جدا ساختند؛ اما بر اثر جنگ‌های متعدد این شهر خراب شد و جمعیت آن متفرق گردید.

در دوره عباسیان خلفای عباسی در اطراف این محل بناهای متعددی ساختند. سال ۲۲۱ هجری در زمان معتصم شهر سامرا مرکز حکومت اسلامی شد. در قرن دهم میلادی این شهر دوباره روبه‌زوال نهاد و غیر از حرم عسکریین (ع) چیزی نماند

### اماکن سامرا

#### سرداب مقدس

سرداب خانه امام هادی (ع)، اکنون در طرف شمال غربی صحن عسکریین (ع) قرار گرفته. تقدس این مکان شریف به جهت حضور ستارگان ولایت و امامت در این جا است. شیعیان سرداب را محل غیبت حضرت حجت (عج) نمی‌دانند.

#### امامزاده سید محمد

صحن و سرای سید محمد (ابوجعفر) فرزند بزرگ امام هادی، در منطقه دجیل قرار دارد. سید محمد دو سال قبل از امام هادی (ع) از دنیا رفتند.



### مزار نرجس خاتون مادر امام زمان (عج)

نرجس خاتون، مادر بزرگوار حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در سال ۲۶۰ ق از دنیا رفت و در کنار قبر دو امام بزرگوار، داخل ضریح آنها به خاک سپرده شد. این بانوی بزرگوار فرزند شیوعا، پسر قیصر روم، بود که به عنوان کنیز به سامرا آمد و حکیمه خاتون او را به امام حسن عسکری بخشید. نام این بانو در روم «ملیکا» بود و از نسب مادری به شمعون و همچنین حواریون حضرت مسیح می رسید. پس از پذیرش اسلام، نام وی به «نرجس» تغییر یافت، اما به نام های دیگری چون ریحانه، سوسن و صیقل نیز نامیده می شد. این بزرگوار پس از فوت، در خانه امام حسن عسکری در محل سکونت خویش، کنار امام دفن شد که اکنون داخل ضریح مطهر امامین و پشت سر آنها قرار دارد.

### مزار حکیمه خاتون

حکیمه خاتون، دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام) و عمه امام حسن عسکری (علیه السلام)، در دوران غیبت صغری به عنوان وکیل نماینده حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. به هنگام رحلت امام جواد (علیه السلام)، او که کودکی بیش نبود، تحت سرپرستی امام هادی (علیه السلام) قرار گرفت و در زهد و تقوا سرآمد زنان عصر خود شد. از افتخارات این بانوی بزرگوار تربیت و سرپرستی نرجس خاتون، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بود. وی در ۲۷۴ ق وفات یافت و داخل خانه امام هادی (علیه السلام) دفن شد. این ۲ بانو را در سمت پایین پای امام عسکری و امام هادی به خاک سپردند و ضریح او از یک سمت به ضریح آن دو امام متصل است. ضریح حکیمه خاتون ابتدا از



جنس برنج بود و با تعویض ضریح امامین، آن نیز به نقره تبدیل شد.

### امامزاده سید حسین (برادر امام حسن عسکری)

مرحوم محدث قمی می‌نویسد:

اگرچه از احوال این سید بزرگوار اطلاعی نیافتم، لیکن از بعضی از روایات استفاده می‌شود که از مولای ما، امام حسن عسکری و برادرش حسین بن علی الهادی، تعبیر به سبطین می‌شده و این دو برادر را به اجدادشان دو سبط رسول گرامی، حسن و حسین تشبیه می‌نمودند.

این بزرگوار در پایین پای مبارک امام هادی و امام عسکری دفن شده است.

### امامزاده سید حسین (برادر امام حسن عسکری)

سمانه یا سمانه مغریه، مادر امام هادی (علیه‌السلام)، ملقب به «ام الفضل» و «سیده»، از زنان فاضل و زاهد روزگار بود که بیشتر روزها را روزه داشت و شب‌ها به نیایش می‌پرداخت. او در خانه امام هادی (علیه‌السلام) از دنیا رفت و در همان جا، کنار فرزندش، دفن شد.

### ابوهاشم جعفری

داوود بن قاسم فرزند اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب و از نواده‌های جعفر طیار است. قبر او در داخل ضریح و آستان عسکریین قرار دارد. این بزرگوار از مادر به محمد بن ابی‌بکر نسب می‌برد زیرا مادرش، ام حکیم، دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است. او محضر پنج امام را درک کرد و از یاران امام رضا (علیه‌السلام)، امام جواد، امام هادی و امام عسکری شمرده شده است.



این بزرگوار در پایین پای مبارک امام هادی و امام عسکری دفن شده است.

### مسجد جامع سامرا

یکی از قدیمی‌ترین مساجد عراق است. ساخت آن به زمان متوکل عباسی برمی‌گردد. این مسجد، بزرگ‌ترین مسجد عراق است که ۳۸۰۰۰ مترمربع مساحت داشته و ۱۴ درب ورودی دارد و حدود ۲ کیلومتر پایین‌تر از حرم مطهر عسکریین قرار گرفته است. از این مسجد تنها دیوارهایی آن و مناره معروف ملوویه باقی‌مانده است. مسجد بدون سقف بوده و کف آن خاکی است. دیوارهایی بسیار ضخیم آن بیشتر به دیوارهایی قلعه شباهت دارد؛ ارتفاع دیوارها به ۱۰ متر می‌رسد و ۴۰ برج در ضلع‌های آن، باعث شده دیوارها از حالت یکنواختی بیرون بیایند. دیوارها و مناره، در دوران معاصر بازسازی شده‌اند.

### پیامبران در عراق

#### آدم و نوح

قبر حضرت آدم و نوح در کار قبر مطهر و منور مولای متقیان امیرالمؤمنین علی قرار دارد.

#### عزیر بن سحیا

مرقد عزیر بن سرحیا در استان میسان قرار دارد.



### شیث هبة الله

شیث سومین فرزند آدم و حوا پس از هابیل و قابیل است. کلمه شیث کلمه‌ای سریانی به معنای بخشش یا هدیه است؛ چون خداوند شیث را بعد از کشته شدن هابیل، در سن ۱۳۰ سالگی به حضرت آدم عطا فرمود، به این نام، نامیده شد و در زبان عربی، او را "هبة اهلل" می‌گویند. قبرش در شهر موصل قرار دارد.

### یونس نبی الله

یونس در زبان عبری به معنی کبوتر است. او از پیامبران بنی اسرائیل است. او مردم نینوا را به خدایپرستی دعوت کرد؛ ولی آنان بر طغیان خود افزودند. یونس نفرینشان کرد و از میان آن قوم بیرون آمد. آن قوم که نشانه‌های عذاب را دیدند، توبه کردند و عذاب از آنان برداشته شد. قبر حضرت یونس در شهر موصل، مرکز استان نینوا، از استان‌های شمالی عراق، بر فراز تپه‌ای قرار دارد.

### هود و صالح

قبر این دو پیامبر در قبرستان وادی السلام نجف، سمت راست کسی است که از خیابان شیخ طوسی وارد قبرستان می‌شود.

### سلیمان بن داوود

قبر این پیامبر در شهر بصره واقع شده است

### ذوالکفل

مرقد ذوالکفل در چند فرسخی شهر کوفه در کنار فرات و در شهر کفل است. این شهر که در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی نجف قرار دارد، نام خود را هم از پیامبر ذوالکفل گرفته است. نام اصلی این پیامبر یهودا





است و چون قوم یهود را کفالت کرد و از دست بابلیان نجات داد، به او لقب ذو الکفل دادند. یهودا بزرگترین فرزند حضرت یعقوب است. او همان کسی است که وقتی برادرانش خواستند یوسف را بکشند، پیشنهاد داد که او را در چاه بیندازند و این‌گونه بود که یوسف را از مرگ نجات داد.

### حضرت ایوب

در ۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر حله در منطقه رارنجیه دفن شده است. گویند خداوند نعمات فراوانی را به وی داد، آن‌گاه یک‌یک از او بازستاند و خودش نیز به مرض جذام مبتلا شد. بیش از چهل سال این‌گونه زیست و خدا را شاکر بود و صبر کرد. صبر فوق‌العاده او ضرب‌المثل شد.

### حضرت یوشیج

در قبله مسجد براتنا در بغداد قبر حضرت یوشیج قرار دارد که فعلاً اثری از آن نیست.





فصل هفتم



فصل آگاهی‌ها

## بررسی برخی شبیهات عاشورا

اگر امام حسین (علیه السلام) آگاه بر شهادتش بود، چرا به طرف کربلا رفت؟ چنانچه صدمه رساندن به خود از محرمات است! خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (بقره / ۱۹۵)

آیه هلاکت (یا هر دلیلی که خودکشی را حرام می‌کند) شامل هرگونه خود را به خطر انداختن نمی‌شود؛ و قربانی کردن جان و مال را اگر برای هدفی بزرگ و شریف - مثل آن قیام جاودان امام حسین (علیه السلام) - باشد، حرام نمی‌کند؛ چون در فداکاری‌های حضرت، شروط فداکاری شریف و از خودگذشتگی مقدس به بهترین نحو موجود است.

اگر فداکاری حسین (علیه السلام) در روز عاشورا نبود، اسلام، قرآن و هر آنچه پیامبران در طول تاریخ آورده بودند، در زیر آوار بدعت‌ها، سیاه‌نمایی‌ها و انحرافات که خلفای پیشین به وجود آورده بودند، دفن می‌شد و اثری از آن باقی نمی‌ماند؛ همان‌طور که ادیان گذشته در زیر این رسوبات مدفون شد و اثر درستی از آن‌ها بر جای نماند.

پس قیام امام حسین (علیه السلام) هم عقلانی است و هم هدفی که آن حضرت دارد، از دادن جان، مال، فرزند و در یک کلمه، تمام هستی بارزش‌تر است.



## شبهاتی که در مورد حضرت رقیه سلام الله علیها دختر امام حسین علیه السلام وجود دارد، چقدر درست است؟

برخی از نقل‌های تاریخی در مورد دختران امام حسین علیه السلام آمده است که آن حضرت دو دختر به نام‌های فاطمه و سکینه داشته‌اند. نقل‌های دیگری نیز هست که برای امام حسین علیه السلام سه دختر و برخی هم چهار دختر ذکر کرده‌اند. در نقلی که سه دختر برای امام حسین علیه السلام گفته شده است، نام دو تن یعنی فاطمه و سکینه را ذکر کرده‌اند و نام سوم را نیاورده‌اند. نقلی که می‌گوید حضرت چهار دختر داشته‌اند، از فاطمه، سکینه و زینب نام برده‌اند، اما اسمی از چهارمین دختر نیست.

ایرادی که بر آن‌ها وارد می‌شود این است که وقتی می‌گویید سه یا چهار دختر، چرا سومی یا چهارمی را نام نبرده‌اند؟ چون این نقل‌ها از لحاظ اعتبار در یک حد هستند، لذا بعید نیست دختری که اسمش در این دو نقل ذکر نشده، همان حضرت رقیه سلام الله علیها باشد؛ بنابراین نمی‌توانیم به صرف استناد به یک نقل، به طور کلی وجود حضرت رقیه سلام الله علیها را انکار کنیم.

## حضور امام محمدباقر علیه السلام در واقعه عاشورا است. آیا آن حضرت در سال ۶۱ هجری در کربلا حضور داشتند؟

بنا بر نقل قول مشهور، امام محمدباقر علیه السلام متولد سال ۵۷ هجری قمری است و فاجعه کربلا هم در سال ۶۱ اتفاق افتاده است. در عین حال چون هم نقل تاریخی داریم مبنی بر حضور آن حضرت در فاجعه کربلا و هم حدیثی منقول از خود امام باقر علیه السلام هست که اشاره به حضورشان در واقعه کربلا داشته، بنابراین از آنجاکه همراه با پدر بزرگوار خود به این سفر آمده، ایشان در فاجعه کربلا حضور



داشتند. آن حضرت در آن زمان چهارساله بودند و جزو اسرای این فاجعه خونین و تکان‌دهنده به شمار می‌آیند.

**دو طفلان جناب مسلم بن عقیل نیز از موضوعات بحث‌برانگیز حادثه عاشورا است. این دو کودک چگونه توانستند از زندان ابن**

**زیاد فرار کنند و این ماجرا چقدر صحت دارد؟**

این‌گونه نیست که این قضیه قطعی باشد. فقط در بین بزرگان شیعه از شیخ صدوق (ره) نقلی بدون ارائه سند داریم که داستان طفلان مسلم مطرح شده و دیگران از او نقل کرده‌اند. ولی چون در منابع دیگر ذکر نشده است و خود شیخ صدوق هم سندی ارائه نکرده است، لذا نمی‌توان آن را به‌عنوان یکی از مسلمات در ارتباط با واقعه کربلا تلقی کرد و درباره آن سخن گفت.

**چرا همسر حضرت زینب (س) در کربلا نبود؟**

او آن موقعیتی را که امام حسین علیه‌السلام در آن قرار داشت درک نمی‌کرد، بلکه به خیال خود در مقام نصیحت اباعبدالله علیه‌السلام برآمد و خواست امام را از تصمیمی که گرفته منصرف کند. بنابراین بسیار تلاش کرد تا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به این مسیر و راهی که در پیش گرفته نرود. البته او در اثر عدم بصیرت کافی تصور می‌کرد مسئله، مسئله جان امام حسین علیه‌السلام است و تلاش داشت تا جان آن حضرت حفظ شود. حال آنکه مسئله، مسئله تکلیف همه مسلمانان و به‌خصوص امام حسین علیه‌السلام بود.

متأسفانه عبدالله بن جعفر این مسئله را درک نکرد؛ لذا تلاش کرد که امام را از رفتن به این سفر بازدارد و چون موفق نشد خودش هم از همراهی با آن حضرت کناره گرفت.



**حضرت علی اکبر علیه السلام، پسر بزرگ امام حسین علیه السلام  
بوده است. آیا حضرت علی اکبر علیه السلام از امام سجاد**

**علیه السلام بزرگتر بودند؟ "علی اوسط" کیست؟**

نقلی داریم که دو فرزند امام حسین علیه السلام نامشان علی بوده؛  
علی اکبر و علی اصغر علیهما السلام؛ لذا اگر این نقل را درست بدانیم،  
حضرت علی اکبر علیه السلام که در کربلا به شهادت رسیدند از امام سجاد  
علیه السلام که باتوجه به این نقل علی اصغر شناخته می شوند بزرگتر  
بودند. بر اساس این نقل طفل شیرخواری که در کربلا به شهادت رسید  
نامش عبدالله رضیع بوده.

نقل دیگری هم هست که امام حسین علیه السلام به سبب جنایت  
و کینه تیزی شدیدی که بنی امیه نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام  
داشت و گذاشتن نام علی را ممنوع کرده بود، فرموده بودند اگر خدا  
من را تا روز قیامت زنده بدارد و به من فرزند پسر بدهد همه را علی  
می نامم. اگر این نقل را اصل قرار بدهیم، بنابراین هر ۳ پسر امام  
حسین علیه السلام که در کربلا حضور داشتند اسمشان علی بوده و  
به این ترتیب امام سجاد علیه السلام علی اوسط هستند. اما در اینکه  
این نقل ها کدام یک درست تر و قابل قبول تر است محققین به نتیجه  
قطعی نرسیده اند.

**چرا برخی از شخصیت های بنی هاشم، امام حسین علیه السلام را**

**در کربلا یاری نکردند؟**

این سؤال بسیار مهم و عبرت آموزی است. دلیل آن چیزی نیست جز  
عدم معرفت کامل به جایگاه ولایت و داشتن بصیرت این شخصیت ها  
که بتوانند وظیفه خود را به موقع تشخیص دهند و وارد میدان شوند  
و از امام زمان خود حمایت کنند. هر کس از بنی هاشم که امام حسین





علیه السلام را در قیامشان همراهی نکرد، دچار خسران عظیمی شد که هیچ جای توجیهی ندارد.

## آیا هیچ ایرانی‌ای همراه امام حسین علیه السلام در نهضت کربلا حضور داشته؟

به تصریح اسم کسی یا شماری از ایرانیان را نداریم که بگویند این افراد ایرانی در سپاه امام حسین علیه السلام حضور داشته‌اند. اگرچه معدود افرادی را گفته‌اند از موالی یعنی وابستگان به اباعبدالله یا برخی از اصحاب آن حضرت در کربلا بوده‌اند. البته موالی بیشتر به مسلمانان غیرعربی گفته می‌شد که به یکی از تیره‌ها و قبایل بزرگ عرب پیوند خورده بودند. ممکن است در بین چند نفری که اسم‌شان در واقعه کربلا ذکر شده و از موالی بوده‌اند برخی از آن‌ها ایرانی‌هایی بوده‌اند که در کربلا به امام حسین علیه السلام پیوسته باشند. منتها سند و مدرکی برای اثبات آن وجود ندارد.

## چرا ایرانیانی که در لشکر مختار حضور داشتند، در حادثه کربلا به یاری امام حسین علیه السلام نیامدند؟

ایرانیان مسلمان به‌عنوان شهروندان درجه ۲ و ۳ محسوب می‌شدند. حاکمان عرب آنان را از هرگونه دخالت در امور سیاسی و اجتماعی منع کرده بودند و طوری جلوه داده بودند که این‌ها برابر با اعراب نیستند؛ لذا خود ایرانیان هم آن‌طور که باید و شاید نسبت به ذات مقدس امام حسین علیه السلام شناخت نداشتند. بنابراین در نامه‌نگاری‌هایی که برای دعوت از امام حسین علیه السلام به کوفه شده بود، ما نامی از ایرانیان نمی‌بینیم.

گفته شده امام حسین علیه السلام و یارانشان در شب عاشورا غسل شهادت کردند. وقتی آب نبود و اهل حرم تشنه بودند،



## چطور این اتفاق افتاده؟!

روز هفتم محرم دشمن به فرمان عبیدالله بن زیاد آب را روی اهل بیت امام حسین علیه السلام بست؛ ولی از هفتم محرم به بعد تا شب عاشورا در یکی از این شب‌ها اباعبدالله علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام را همراه ۲۰ نفر که مشک در دست داشتند و ۳۰ نفر که از آن‌ها حفاظت می‌کردند، به فرات فرستادند و آن‌ها توانستند همراه خود آب بیاورند؛ اما در اینکه در روز عاشورا همه آن بزرگواران تشنه بودند و هیچ ذخیره آبی نداشتند شکی نیست. مسلماً امام حسین علیه السلام به عنوان امام بر حق مسلمانان این مسئله را بهتر می‌دانستند که اگر آب به قدری کم باشد که انسان بین تشنه ماندن، وضو گرفتن یا غسل کردن بماند، باید وضو و غسل را رها کند و بدل از آن تیمم کند و آب را برای شرب نگه دارد. چه بسا آبی که در اختیار بوده، قابل شرب نبوده

**آیا قاضی شریح به قتل امام حسین علیه السلام فتوا داد؟ اگر**

**این‌گونه است چرا مختار او را به قتل نرساند؟**

خیر، این غلط مشهوری است که در افواه رایج است. در هیچ یک از منابع معتبر درباره واقعه کربلا چنین چیزی نیامده. قاضی شریح در عین اینکه نسبت به ائمه علیهم السلام بی‌معرفت بود، بی‌رگ‌تر از آن بود که بخواهد از خود چنین رد خائنه‌ای باقی بگذارد. ضمن اینکه در هیچ یک از منابع اصلی چنین چیزی نیامده. باید گفت اگر او چنین کاری کرده بود قطعاً در هنگام قیام مختار جزو کسانی قرار می‌گرفت که به عنوان دست‌داشتن در فاجعه کربلا باید نابود می‌شد.



فصل هشتم



# فصل آداب



## آداب سفر و زیارت

### آداب سفر

- طلب خیر از خداوند
- اطلاع به دوستان و بستگان و طلب حلالیت از آنها
- وصیت کردن به خصوص نسبت به امور واجب
- انتخاب همسفران مناسب و هم شأن از نظر اخلاقی و اقتصادی
- انتخاب زمان مناسب برای سفر: روز شنبه و روز سه شنبه و پنجشنبه مستحب است
- روز جمعه قبل از نماز جمعه مکروه
- غسل کردن
- خواندن دعای سفر: سوره‌ها و آیات قرآنی دیگری که گفته شده
- سوره قدر آیت الکرسی حمد ناس و فلق
- صدقه دادن بهتر از هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه انجام گیرد
- هنگام سفر
- مستحب است زاد و توشه لازم کافی همراه داشته باشد
- با همسفران خود با اخلاق نیکو رفتار کند
- به افراد ضعیف و مریض در طول سفر کمک کند
- به فقرا و مساکین محل صدقه بدهد



## آداب زیارت

- غسل کردن و با طهارت وارد حرم شدن
- اذن دخول طلبیدن و با خشوع وارد شدن
- رو به ضریح و پشت به قبله ایستادن و خواندن زیارت‌های وارده
- خواندن دو رکعت نماز پس از زیارت
- دعا کردن و طلب حاجت پس از نماز
- خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن به امام
- حضور قلب داشتن و استغفار کردن از گناه
- احسان و احترام به خادمان حرم
- خواندن دعای وداع در آخرین زیارت
- بهتر شدن نسبت به قبل از زیارت
- زود خارج شدن از حرم پس از زیارت
- پشت نکردن به ضریح هنگام خروج
- پس از بازگشت به خانه دوباره به حرم و زیارت رفتن
- صدقه دادن به نیازمندان و نیاز احسان به تنگدستان از سادات آن شهر
- پوشیدن لباس پاک و تمیز که بهتر است سفید باشد
- عطر زدن و خوشبو بودن
- با آرامش و وقار حرکت کردن و گام‌ها را کوتاه برداشتن
- مشغول بودن به ذکر در حال رفتن به زیارت به خصوص ذکر الله اکبر و الحمد لله
- وارد شدن به حرم با پای راست
- تکبیر گفتن پیش از زیارت هنگام دیدن قبر مطهر
- پرهیز از امور دنیایی و سخنان لغو بیهوده

## آداب پیاده‌روی اربعین

### پیش از سفر

هر اقدام از جمله سفر پربرکت اربعین حسینی، نیازمند نگرش کلان و تقسیم‌بندی گام‌هاست. بر همین اساس، اولین گام برای آغاز سفر اربعین، آمادگی پیش از سفر است؛ آداب باطنی و ظاهری که هر یک موجب تعالی و کمال زیارت خواهد بود.

### خلوص نیت:

بدون تردید شرکت در همایش باشکوه الهی اربعین، می‌باید با قصد قربت و به‌منظور تقویت بنیه ایمانی و تجدید عهد و میثاق با سرور شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) و الگوگیری از اسوه‌های تابناک دین صورت گیرد؛ از این‌رو باید زائران کوشش نمایند تا با خلوص نیت و به‌قصد درک فیوضات الهی و زیارت مرقد‌های نورانی سالار شهیدان و اصحاب بزرگش و سایر اولیای الهی به این سفر پا بگذارند و راهی این سفر معنوی شوند.

### زیارت به نیابت از شهدا:

مناسب است زائران اربعین حسینی با پذیرش نیابت یکی از شهدای عزیز، شهیدی را هم‌سفر خود کنند و ذیل عنایت و برکت یاد و نام شهدا، پیاده‌روی اربعین و زیارت سیدالشهدا (ع) را مزین و تضمین نمایند.

### انتخاب هم‌سفر:

در این مسیر، انتخاب هم‌سفران مناسب و همراه و سازگار از نظر اخلاقی، اهمیت ویژه‌ای دارد. توصیه می‌شود سفر گروهی، کاروانی و شبه کاروان را بر سفر فردی ترجیح دهند.

### طلب حلالیت:

حلالیت طلبیدن از دوستان و نزدیکان، امر سفارش‌شده‌ای است





تا بتوان با رضایت و دعای خیر ایشان سفری با خیر و برکت در پیش داشت.

### وصیت:

وصیت کردن از جمله امور مهمی است که دین مبین اسلام بر آن تأکید دارد.

اثر این اقدام آن است که زائران با فراغ‌بال از ادای حقوق مردم و خداوند سبحان برای تقرب به خداوند متعال سفر را آغاز نمایند.

### سایر اعمال:

صدقه دادن (خصوصاً هنگام سوارشدن به وسیله نقلیه)

غسل کردن پیش از آغاز سفر

خواندن نماز سفر و دعای سفر هنگام خروج از منزل (مطابق آنچه

در کتاب شریف مفاتیح‌الجنان آمده است)

خواندن سوره‌های قدر، حمد، ناس، فلق و آیه الکرسی

گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» هنگام خروج از منزل یا سوارشدن

بر وسیله نقلیه

### هنگام سفر

- لازم است در طول سفر اهتمام زائر بر رعایت مسائل شرعی باشد و سایر هم‌سفران نیز به انجام عبادات و توجه به معنویات، ترغیب و تشویق شوند.

- شایسته است همه زائران و به‌خصوص بانوان، در تمام ایام سفر و در محضر امامان معصوم (ع) لباس مناسب داشته باشند و حجاب را کاملاً رعایت کنند.

- سعه‌صدر، صبر بر مشکلات، تحمل سختی‌ها و کمبودها در طول سفر، سرلوحه قرار گیرد.

- اقامه نماز اول وقت و نماز جماعت: زائر حسینی به‌خوبی می‌داند که روایات شیعه سرشار از توصیه به نماز جماعت است و در این

راهپیمایی و اجتماع عظیم معنوی، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. عبادتی که در طول این همایش بزرگ باید در معرض دید عموم قرار گیرد و امام حسین (ع) نیز در جریان نهضت، توجه خاصی به آن داشت. بر همین اساس، سعی زائر باید بر این باشد تا نمازهای پنج‌گانه را اول وقت و در صورت امکان به جماعت اقامه کند.

## اقدامات مهم در کشور عراق

برخی اقدامات لازم است از جانب زائران اربعین، در کشور میزبان رعایت شود. در این بخش، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

### مسائل اجتماعی

- توجه به این مسئله که مردم عراق، میزبان اصلی و صاحب‌خانه هستند و ادب و اخلاق اسلامی حکم می‌کند عزت، حرمت و سنت‌های آنها حفظ و مورد تأکید قرار گیرد.

- همان‌طور که میزبانان عراقی، از مدت‌ها قبل، خود را برای پذیرایی از زائران آماده می‌کنند، مناسب است زائران نیز برای تقدیر و تشکر از آنها محترمانه و مؤدبانه برخورد کنند.

- زائران محترم لازم است هنگام حضور در موکب‌ها توقعات خود را کاهش دهند و در نظر داشته باشند که مسئولان موکب‌ها تمام تلاش خود را برای ارائه بهترین خدمات و فراهم کردن زمینه‌های آرامش و استراحت حاضران در مراسم اربعین به کار می‌گیرند.

- برخی عراقی‌ها، با زبان فارسی آشنا هستند، لذا مناسب است در گفت‌وگوها، حتی به شوخی از کاربرد کلمات اهانت‌آمیز و خلاف ادب اجتناب شود. بلکه زائران می‌توانند از این امر، برای تعامل هر چه بهتر و تقویت پایه‌های دوستی و برادری دو ملت استفاده کنند.

- باتوجه به اینکه در موکب‌ها، زائران از کشورها و فرهنگ‌های مختلف گرد هم می‌آیند، لازم است زائران ایرانی، شئون اخلاقی



و فرهنگی را حفظ و از شوخی بی‌مورد و ایجاد سروصدا پرهیز نمایند و نماینده خوبی برای جمهوری اسلامی ایران باشند.

- احترام به زائران دیگر و همکاری در خدمات‌رسانی موکب‌ها از اخلاق اسلامی است.

- اهتمام به پاکیزه نگه‌داشتن اماکن مقدس و محل‌های عمومی، نشانگر شخصیت والای زائران است.

- از گرفتن جای بیش از حد نیاز و جان دادن به دیگران پرهیز شود - از ایجاد مزاحمت، هرچند ناخواسته نسبت به دیگر زائران خودداری شود.

- توجه به این نکته لازم است که بسیاری از آوارگان مظلوم ساکن در موکب‌های بین راه و برخی از زائران که مسیر را با پای پیاده طی می‌کنند، از برادران و خواهران اهل‌تسنن هستند؛ اهانت به زائران دیگر، قطعاً مورد رضایت خداوند متعال و امام‌زمان (عج) نخواهد بود؛ بنابراین نباید به‌گونه‌ای عمل شود که باعث تفرقه در صفوف شیعه و سنی و پیروان سایر ادیان الهی باشد.

- کمک به خانم‌ها، افراد مسن، بیماران و کودکان در استفاده از وسایل نقلیه و خدمات دیگر و اولویت‌دهی به آنها از اخلاق پسندیده است.

- حفظ فضای معنوی زیارت و عزاداری اربعین سالار شهیدان باید در طول سفر، موردتوجه و اهتمام همگان قرار گیرد.

- تداوم به اذکار «سبحان‌الله»، «الحمدلله»، «لا اله الا الله»، «الله‌اکبر» و «صلوات»، در زمان پیاده‌روی، توصیه همه بزرگان و اولیای الهی است.

- دعا جهت تعجیل در فرج امام عصر حضرت صاحب‌الزمان (عج) و هدیه ثواب زیارت به آن بزرگوار از پسندیده‌ترین کارهاست.

- اگر در طول مسیر به‌صورت گروهی جایی برای اسکان، انتخاب می‌شود، بهتر است که برنامه‌ای معنوی (مانند خواندن زیارت‌نامه



و تلاوت قرآن کریم) برای گروه در نظر گرفته شود.

- لازم است با پرهیز از زیاده‌روی در مصرف غذاها و نوشیدنی‌ها و اسراف آنها که از دستورات دین مبین اسلام است، به این اخلاق پسندیده اسلامی جامه عمل پوشاند. با این عمل، ضمن حفظ سلامتی و تقویت روحیه قناعت، به تأمین غذای سایر زائران نیز کمک خواهد شد.

- کمک به سایر زائران در طول مسیر فراموش نشود، از آب، نوشیدنی، خوردنی و تجهیزات اضافی خود به کسانی که در آن لحظه به آن نیاز دارند، بخشش شود.

- دستور قرآن در سوره آل عمران، اتحاد با دیگر ادیان الهی در نقاط مشترک توحید و معاد است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.»

- اکنون که وحدت با ادیان توحیدی توصیه شده، اتحاد با هم‌کیشان مسلمان از مذاهب دیگر پسندیده و اولی است؛ لذا مبادا در این سفر با رفتار و کلمات اهانت‌آمیز که بارها از سوی مراجع عظام تقلید، حرام اعلام شده، موجب تفرقه دشمن‌پسند شویم.

- نسبت به رعایت فاصله و عدم برخورد با نامحرم حتی در شلوغ‌ترین مکان‌ها دقت لازم مبذول شود.





فصل نهم



فصل زیارات

## زيارت اربعين

اَلسَّلَامُ عَلٰى وَلِىِّ اللّٰهِ وَحَبِيْبِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى خَلِيْلِ اللّٰهِ وَنَجِيْبِهِ اَلسَّلَامُ  
 عَلٰى صَفِيِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ  
 اَلسَّلَامُ عَلٰى اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُ اَنَّهٗ  
 وَلِيَّكَ وَابْنُكَ وَلِيَّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ اَكْرَمَتْهُ  
 بِالشَّهَادَةِ وَحَبُوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتُهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتُهُ سَيِّدًا  
 مِنْ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنْ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنْ الذَّادَةِ وَاعْطَيْتُهُ مَوَارِيْثَ  
 الْاَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتُهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنْ الْاَوْصِيَاءِ فَاعْذَرَ فِى الدُّعَاءِ  
 وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِىكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ  
 الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَارَرَ عَلَيْهِ مَنَ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْاَزْدَلِ الْاَذْنِ  
 وَشَرٰى اَخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَزَدٰى فِى هَوَاهُ وَاسْخَطَكَ  
 وَاسْخَطَ نَبِيَّكَ وَاطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ  
 الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِيْنَ النَّارِ فَجَاهَدَهُمْ فِىكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰى  
 سُفِكَ فِى طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيْحَ حَرِيْمُهُ اَللّٰهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا  
 وَعَذْبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَ  
 يَا بَنَ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيْنُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِيْنِهِ عِشْتَ سَعِيْدًا  
 وَمَضَيْتَ حَمِيْدًا وَمُتَّ فَقِيْدًا مَظْلُوْمًا شَهِيدًا وَاشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزُ  
 مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ وَاشْهَدُ اَنَّكَ وَفِيْتَ  
 بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِى سَبِيْلِهِ حَتّٰى اَتَيْكَ الْيَقِيْنُ فَلَعَنَ اللّٰهُ مَن  
 قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَن ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهٗ سَمِعْتَ بِذٰلِكَ قَرْضِيْتَ  
 بِهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اُشْهَدُكَ اَنِّىْ وَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاهُ يَا بَیَّ

أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ  
الشَّامِخِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِإِنْجَاسِهَا وَلَمْ  
تُلْبِسْكَ الْمَذَلِّهِمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ  
الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَمَامَ الْبِرَّ التَّقِيَّ الرَّضِيَ  
الزَّكِيَّ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى  
وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنَّ  
بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي  
لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ  
اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى  
أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ  
رَبَّ الْعَالَمِينَ

## زيارت عاشورا

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدَ اللَّهِ ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، الْسَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ  
، وَالْوَتَرَ الْمُؤْتَوَرَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ،  
عَلَيْكُمْ مِنْ جَمِيعِ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا  
أَبَاعَبْدَ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرُّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا  
وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ  
عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَكْسَتْ أَاسَ الظُّلْمِ  
وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَ



أَرَأَيْتُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ ،  
وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ  
وَأَيْنَكُم مِّنْهُمْ ، وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  
إِنِّي سَلِّمٌ لِّمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرَبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَلَعَنَ  
اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً ، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ  
مَرْجَانَةَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا ، وَلَعَنَ اللَّهُ  
أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ ، يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي ، لَقَدْ  
عَظُمَ مُضَابِي بِكَ ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ ، وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ  
يَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مُنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، اللَّهُمَّ أَجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي  
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ ،  
وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ ، وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ ،  
وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ  
أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ ، مِمَّنْ  
أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ  
عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّقَرُّبُ إِلَى  
اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْنَا بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاتِكُمْ ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ  
النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ ، إِنِّي سَلِّمٌ  
لِّمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرَبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِّمَنْ  
عَادَاكُمْ ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ  
، وَ رَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ  
الْآخِرَةِ ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ

أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ  
ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَ أَسْأَلُ  
اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي مُصَابِي بِكُمْ  
،أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً مُصِيبَتِهِ،مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا  
فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ،اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي  
هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ  
مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ  
إِنْ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ  
، عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ  
وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا سُفْيَانَ  
وَمُعَوِيَةَ ، وَ زَيْدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ ، عَلَيْهِمُ مِنَكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَهَذَا  
يَوْمٌ فَرَحْتُ بِهِ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ ، بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ  
عَلَيْهِ،اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ، اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَ آيَامِ حَيَوتِي بِالْبَرَاءَةِ  
مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ ، وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ  
السَّلَامُ پس می گوئی صد مرتبه اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةَ  
الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ ،  
اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً پس می گوئی صد مرتبه السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا  
عبدالله ، وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ  
أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي  
لِزِيَارَتِكُمْ ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَعَلَى

أُولَئِكَ الْحُسَيْنِ ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ بِسْمِ اللَّهِ الْهُمَّ خُصَّ  
 أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنْى وَأَبْدَاءَ بِهِ أَوَّلًا ، ثُمَّ الثَّانِي والثَّالِثَ والرَّابِعَ  
 اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَاسِمًا ، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ  
 وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشَمْرًا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ  
 الْقِيَمَةِ بِسْمِ اللَّهِ سَجْدَهُ مِنْ رُوى و مِنْ كُوفَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ  
 الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي ، اللَّهُمَّ  
 ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ  
 مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ  
 عَلَيْهِ السَّلَام

## زیارت امین الله

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،  
 وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى  
 دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَاللَّزِمَ أَعْدَاءَكَ الْخُبَّةَ  
 مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ  
 نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ،  
 مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مُحَبُّوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى  
 نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ ،  
 مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً تَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَتَنَّةً  
 بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ  
 وَتَنَائِكَ اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ، وَسُبُلُ الرَّاغِبِينَ

إِلَيْكَ شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً، وَأَفْنِذَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً، وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مُقْبُولَةً، وَعِزَّةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَانَةَ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةً، وَزَكَلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالَتهُ، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَزْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الطَّمَأِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبِلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَمَوَايَ أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَذَانَا، وَأُظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْخِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

## زيارت جامعه كبيره

اَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا اهل بيت النبوة، وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهِيْطَ الْوُحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزَانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأُصُولَ الْكِرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْأَيَّامِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِزَّةَ خَيْرَةِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ  
الدُّجَى وَأَعْلَامِ الثَّقَى، وَذَوَى النُّهَى، وَأُولِيائِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى،  
وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحَجَجِ اللَّهِ عَلَى  
أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى  
مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ  
سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى  
اللَّهِ وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ  
فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ  
وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْقُطُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ  
يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى الْأُمَمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ  
الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأُمْرِ،  
وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّةِ، وَجَزِيهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ  
وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا  
شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ، وَأُولُوا الْعِلْمِ  
مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى  
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةُ الرَّاشِدُونَ  
الْمُهْدِيُّونَ، الْمُعْصَمُونَ الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ  
الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ  
بِكِرَامَتِهِ، إِصْطِفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتِضَاكُمْ لِعَيْنِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ،  
وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ

لِنُورِهِ، وَآيَدُكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى  
 بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا  
 لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ،  
 وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللَّهُ  
 مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنْ أَلْفِتِنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ  
 الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَكَبَّرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ  
 كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ،  
 وَتَصَحَّحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ  
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا  
 أَصَابَكُمْ فِي جَنَبِهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ  
 وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ  
 دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنَّتُمْ قَرَائِشَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ،  
 وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ،  
 وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ  
 لَاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ  
 وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدَنُهُ، وَمِيرَاتُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ  
 إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ، وَأَيَّاتُ اللَّهِ  
 لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ  
 وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ وَ مَنْ آجَبَكُمْ  
 فَقَدْ آجَبَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ  
 اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ  
 دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْأَيُّةُ الْمُخْرُجَةُ،

وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَدَدَكُمْ، وَصَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَ مَنْ مَسَّكُمْ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوِيَهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَتْوِيَهُ، وَمَنْ جَدَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيهِمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيهِمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتَيْكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّفِينَ، حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ، وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، طَيِّبًا لِحُلُقِنَا، وَطَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُفَرَّيْنِ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيهِمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكَثْرَ شَانِكُمْ، وَمَتَامَ نُورِكُمْ، وَصَدَقَ مَقَاعِدُكُمْ، وَتَبَّتْ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلُّكُمْ



وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتْكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ، أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَمِمَّا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَمِمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ، مُنْغِصٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ أَخَذِيْقُولَكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ لَائِدٌ عَائِدٌ يَقْبُورُكُمْ، مُسْتَسْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي، وَخَوَانِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدُكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمَقْضُوفٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدِّدَكُمْ فِي آيَاتِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيَمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرُكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ مِمَّا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبَتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لِإِزْنِكُمْ، وَالشَّاكِينَ فِيكُمْ، وَالْمُنْخَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتَبَتْنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَقَفْتَنِي لِطَاعَتِكُمْ،

وَرَزَقْنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ  
إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَفْتَضُّ آثَارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي  
بِهَدْيِكُمْ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيَمْلُكُ فِي  
دَوْلَتِكُمْ وَ يُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَهَمَّكُنْ فِي آيَاتِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ  
عَدَا بُرُؤِيَّتِكُمْ، يَا أَبَا أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ  
بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عُنُكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا  
أُحْصِي ثَنَائَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ،  
وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهَدَاهُ الْأَبْرَارِ وَحَجَّ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ  
يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى  
الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الِهِمُّ، وَيَكْشَفُ الضُّرُّ، وَعِنْدَكُمْ مَا  
نَزَلْتُ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطْتُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدُّكُمْ وَآفِرَ زِيَارَتِ  
اميرالمؤمنين عليه السلام باشد بجای وَإِلَى جَدُّكُمْ بگو وَإِلَى  
أَخِيكَ بَعَثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ، أَتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنْ الْعَالَمِينَ  
طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِسَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ  
جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَارَ  
الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلَّكُ إِلَى الرُّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ  
وِلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ يَا أَبَا أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ  
فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ  
وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ،  
وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَّى أَسْمَائَكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ  
شَانَكُمْ، وَاجَلَّ خَطْرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ  
نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى، وَفِعْلُكُمْ خَيْرٌ، وَعَادَتُكُمْ

الْإِحْسَانُ، وَسَجِّتُكُمُ الْكَرَمَ، وَسَانُّكُمُ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرُّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ  
 حُكْمٌ وَحَنَمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ  
 وَأَصْلُهُ وَقَرَعَهُ، وَمَعَدِنُهُ وَمَأْوِيهِ وَمُنْتَهَاهُ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمَى وَنَفْسِي،  
 كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَعْرَجَنَا  
 اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَقَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ  
 الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمَى وَنَفْسِي، مُمُؤَلِّتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ  
 مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَمُمُؤَلِّتِكُمْ مَتَّ  
 الْكَلِمَةُ، وَعَظَمَتِ النُّعْمَةُ، وَاتَّخَذَتِ الْفُرْقَةُ، وَمُمُؤَلِّتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ  
 الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ  
 الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ  
 الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ،  
 فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا  
 مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا  
 لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ بهتراست بجمع بگوئید یا اولیاءِ اللَّهِ و  
 یا بعد از وَلِيَّ اللَّهِ امامی را که قصد زیارت داشته  
 مخاطب سازید مثلاً اگر قصد زیارت امام حسین ع داشتید  
 بگوئید یا ابا عبد الله إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا  
 يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَّكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ  
 أَمَرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ  
 شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ  
 فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ  
 أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ

وَأَهْلَ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَمَّةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلَتْهُمْ شُفَعَاءَ، فَبِحَقِّهِمْ الَّذِي  
أَوْجَبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ  
وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ  
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا  
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

### دعای توسل

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَاتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَی اللّٰهُ  
عَلَیْهِ وَآلِهِ یَا اَبَا الْقَاسِمِ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ یَا اِمَامَ الرَّحْمَةِ یَا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا  
اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ یَدِیْ  
حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا اَمِیْرَ  
الْمُؤْمِنِیْنَ یَا عَلِیُّ بْنُ اَبِی طَالِبٍ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا  
وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
یَدِیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ  
یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ یَا فَرَّةَ عَیْنِ الرَّسُوْلِ یَا سَیِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا  
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ یَدِیْ حَاجَاتِنَا یَا  
وَجِیْهَةً عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعِیْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ یَا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ  
اَیُّهَا الْمُجْتَبٰی یَا بْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا  
وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
یَدِیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا  
حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا الشَّهِیْدُ یَا بْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی  
خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا  
 أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ  
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ  
 إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ  
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا  
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا  
 وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ  
 أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا  
 وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
 يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا  
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى  
 خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ  
 وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ  
 يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ  
 اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ  
 إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا  
 عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ  
 اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ  
 إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي  
 النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا  
 تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا  
 يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

یا ابا مُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیِّ اَیُّهَا الرِّیُّ الْعَسْكَرِیُّ یا بْنَ رَسُولِ  
اللّٰهِ یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنَا وَمَوْلٰینا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّٰهِ  
اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الْحُجَّةَ اَیُّهَا الْقَائِمُ  
الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ یا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنَا  
وَمَوْلٰینا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ  
یَدَیْ حَاجَاتِنَا یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ

پس از خواندن دعا، حاجات خود را بخواهید که به خواست  
خداوند برآورده می شود و بعد از خواندن دعا چنین بگویید

یا سَادَتِی وَمَوَالِیَّ اِنِّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ اِمَّتِی وَعُدَّتِی لِیَوْمٍ فَقَرِی وَحَاجَتِی  
اِلَى اللّٰهِ وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ اِلَى اللّٰهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ اِلَى اللّٰهِ فَاشْفَعُوا  
لِی عِنْدَ اللّٰهِ وَاسْتَنْفِذُوْنِی مِنْ ذُنُوبِی عِنْدَ اللّٰهِ فَانِّکُمْ وَسَیْلَتِی اِلَى اللّٰهِ  
وَبِحَبِّکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ اَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللّٰهِ فَکُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ رَجَائِی یا  
سَادَتِی یا اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ صَلَی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اَعْدَاءَ اللّٰهِ  
ظَالِمِیْهِمْ مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ اٰمِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

### حدیث شریف کساء

عَنْ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ عَلَیْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَی اللّٰهُ عَلَیْهِ  
وَآلِهِ قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ اَنَّهَا قَالَتْ دَخَلَ عَلَیَّ اَبِی رَسُوْلُ اللّٰهِ فِی  
بَعْضِ الْاَیَّامِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکِ یا فَاطِمَةُ فَقُلْتُ عَلَیْکَ السَّلَامُ قَالَ  
اِنِّی اَجِدُ فِی بَدَنِی ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ اُعِیْذُکَ بِاللّٰهِ یا اَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ  
فَقَالَ یا فَاطِمَةُ اِیْتِنِیْ بِالْکِسَاءِ الْیَمَانِیِّ فَعَطِیْنِیْ بِهِ فَاتَّيْتُهِ بِالْکِسَاءِ  
الْیَمَانِیِّ فَعَطِیْتُهُ بِهِ وَصُرْتُ اَنْظُرُ اِلَیْهِ وَاِذَا وَجْهُهُ یَتَلَاوُ کَاَنَّهُ الْبَدْرُ  
فِی لَیْلَةٍ تَمَامِهِ وَکَمَالِهِ فَمَا کَانَتْ اِلَّا سَاعَةً وَاِذَا یُوْلَدِی الْحَسَنُ قَدْ

أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَاهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي  
وَمَمْرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ يَا أُمَاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ  
جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ  
نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا جَدَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي  
أَنْ أَذْخَلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا  
صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بِوَلَدَيْ الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ  
عَلَيْكِ يَا أُمَاهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَمَمْرَةَ فُؤَادِي  
ادِي فَقَالَ لِي يَا أُمَاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي  
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ وَآخَاكَ تَحْتَ  
الْكِسَاءِ فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا جَدَاهُ  
السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ  
الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمْتِي قَدْ أَذِنْتُ  
لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ  
بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ  
السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشَمُّ  
عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ  
نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عَلِيُّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ  
السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ  
قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبَ لِيوَالِي  
قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلِيُّ تَحْتَ الْكِسَاءِ ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ  
وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا ابْنَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ  
تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ  
فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ أَخَذَ أَبِي



رَسُولَ اللَّهِ بِطَرَفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَيَّ يَدِيهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ  
 إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي  
 يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَلَمٌ  
 لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ  
 أَنَا مِنْهُمْ فَأَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَعُقْرَانِكَ وَرِضْوَانَكَ  
 عَلَى وَعَلَيْهِمْ وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ اللَّهُ  
 عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأْتُكَ يَا سُبْحَانَ سَمَوَاتِي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً  
 وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً وَلَا فُلْكَاً يَدُورُ  
 وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ  
 هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ  
 فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا  
 وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ  
 لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِساً فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذْنْتُ لَكَ فَهَبْطُ الْأَمِينُ  
 جِبْرَائِيلُ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ  
 السَّلَامَ وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ وَعِزِّي وَجَلَالِي إِنِّي  
 مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً  
 مُضِيَّةً وَلَا فُلْكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي إِلَّا لِاجْلِكَ  
 وَمَحَبَّتِكَ وَقَدْ آذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ  
 اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيِّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ  
 أَذْنْتُ لَكَ فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِابْنِ اللَّهِ  
 قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرُّجْسَ أَهْلَ  
 الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ عَلِيُّ لَابِي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا  
 لِحُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي  
 بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً وَاضْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَبِيّاً مَا ذَكَرَ خَيْرَنا هَذَا فِي

مَحْفِلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا إِلَّا  
وَنَزَلْتُ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةَ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى  
أَنْ يَتَفَرَّقُوا فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَ شَيْعَتُنَا وَرَبُّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ  
النَّبِيُّ ثَانِيًا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاضْطَفَانِي بِالرُّسَالَةِ نَجِيًّا  
مَا ذُكِرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفِلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ  
مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَقَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَعْمُومٌ  
إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَلَا طَالِبٌ حَاجَهُ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ  
عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شَيْعَتُنَا فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ

### صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ  
عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا اَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ  
عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتٰی الزَّكَاةَ وَدَعَا اِلٰی دِيْنِكَ وَصَلِّ  
عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعْدِكَ وَصَلِّ عَلٰی  
مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهٖ الذُّنُوْبَ وَسَرَرْتَ بِهٖ الْعُيُوْبَ وَفَرَّجْتَ بِهٖ  
الْكُرُوْبَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهٖ الشَّقَاةَ وَكَشَفْتَ بِهٖ  
الْغَمَّاءَ وَاجَبْتَ بِهٖ الدُّعَاةَ وَنَجَّيْتَ بِهٖ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ  
كَمَا رَحِمْتَ بِهٖ الْعِبَادَ وَآخِيَّتَ بِهٖ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهٖ الْجَبَابِرَةَ  
وَاَهْلَكْتَ بِهٖ الْفِرَاعِيَّةَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا اَضَعَفْتَ بِهٖ اَمْوَالَ  
وَاحْرَزْتَ بِهٖ مِنَ الْاَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهٖ الْاَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهٖ الْاَنْامَ  
وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْاَدْيَانِ وَاَعَزَّزْتَ بِهٖ الْاِيْمَانَ  
وَتَبَّرْتَ بِهٖ الْاَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهٖ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ  
وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ الْاَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا

## صلوات بر امیرالمؤمنین علیہ السلام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ بِنِ ابِيْطَالِبٍ اَخِيْ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ  
وَصَفِيِّهِ وَوَزِيْرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ  
وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالذَّاعِي اِلَى شَرِيْعَتِهِ وَخَلِيْفَتِهِ فِيْ اُمَّتِهِ وَمَفْرَجِ  
الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجْرِ الَّذِيْ جَعَلْتَهُ مِنْ  
نَبِيِّكَ مِمَّنْزِلَةً هَرُوْءٌ مِنْ مُّوْسَى اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ  
وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ  
وَالْاٰخِرِيْنَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيَاءِ  
اَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

## صلوات بر حضرت فاطمه سلام الله عليها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيْقَةِ فَاطِمَةَ الزُّكِّيَّةِ حَبِيْبَةِ حَبِيْبِكَ وَنَبِيِّكَ وَامِّ  
اَحِبَّائِكَ وَاَصْفِيَائِكَ الَّتِي اَنْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ  
الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَحَقَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ  
الثَّائِرَ اَللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلَادِهَا اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ اَيِّمَةِ الْهُدَى وَخَلِيْلَةَ  
صَاحِبِ اللّٰوَاءِ وَالْكَرِيْمَةِ عِنْدَ الْمَلَاِ الْاَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى  
اُمِّهَا صَلَوةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ اَبِيْهَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقْرُبُ بِهَا  
اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَابْلَغْهُمْ عَنِّيْ فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ اَفْضَلَ الْحَيَّةِ وَالسَّلَامِ

## صلوات بر حسن و حسین علیهما السلام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عِبْدَيْكَ وَوَلِيِّيْكَ وَابْنَيْ رَسُوْلِكَ  
وَسِبْطِي الرُّحْمَةِ وَسَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى  
اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بِنِ سَيِّدِ  
النَّبِيِّيْنَ وَوَصِيِّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللهِ السَّلَامِ

عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ آمِينَ  
 اللَّهُ وَإِبْنُ أَمِينِهِ عَشْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ  
 الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي  
 فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّجِيَّةِ وَالسَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ  
 عَلَى الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجْرَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ  
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مَوْقِبًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَإِبْنُ أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا  
 وَمَضَيْتَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِنَارِكَ وَمُنْجِزُ مَا  
 وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالْتَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَأَشْهَدُ  
 أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا  
 حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ  
 اللَّهُ أُمَّةً أَلْبَثَتْ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ  
 بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ  
 قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعْبَيْكَ فَلَمْ يُجِبَكَ  
 وَلَمْ يَنْصُرَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَائَكَ آتَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرُّو  
 وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأُمَّةُ مِنْ وَلَدِكَ  
 كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا  
 وَأَشْهَدُ أَنَّ بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَمِمَّنْ لَتَكُم مَوْقِنٌ وَلَكُم تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي  
 وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُقَلَّبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

### صلوات خاصه امام جواد عليه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ الثَّقَلَيْنِ، وَنُورِ الْهُدَى،  
 وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ، وَقَرْنِ الْأَزْكَيَاءِ، وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ، وَأَمِينِكَ عَلَى  
 وَحْيِكَ . اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ

الْحَيَّةَ، وَأَرْشَدَتْ بِهِ مَنِ اهْتَدَى، وَرَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى، فَصَلِّ عَلَيْهِ  
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَبَقِيَّةِ أَوْصِيَائِكَ، إِنَّكَ  
عَزِيزٌ حَكِيمٌ

### صلوات خاصه امام موسى كاظم عليه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ  
الْأَبْرَارِ، وَ إِمَامِ الْأَخْيَارِ، وَعَيْنَةِ الْأَنْوَارِ، وَوَارِثِ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ،  
وَالْحَكَمِ وَالْإِتَارِ، الَّذِي كَانَ يُخَيِّي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ إِلَى السَّحَرِ بِمُوَاضِعِ  
الِاسْتِغْفَارِ، خَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ، وَالْدُمُوعِ الْغَزِيرَةِ، وَالْمُنَاجَاةِ  
الْكَثِيرَةِ، وَالْمَرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ،

### صلوات خاصه امام هادی عليه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ  
وَ خَلَفِ أَمَّةِ الدِّينِ وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا  
جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مَنْ تَوَابَكَ وَ أَنْذَرِ  
بِالْأَلِيمِ مَنْ عَقَابَكَ وَ حَذَّرْ بِأَسْكَ وَ ذَكَّرْ بِآيَاتِكَ وَ أَحَلَّ خَلَائِكَ  
وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ بَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَ فَرَانِضَكَ وَ حَصَّ عَلَى عِبَادَتِكَ  
وَ أَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ  
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ دُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

### صلوات خاصه امام حسن عسکری عليه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرِّ النَّقِيِّ، الصَّادِقِ  
الْوَفِيِّ، النُّورِ الْمُضِيِّ، خَازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمَذْكَرِ بِتَوْحِيدِكَ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ،  
وَخَلَفِ أَمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، فَصَلِّ

عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَّجِكَ  
وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ



تهیه شده در روابط عمومی بنیاد ملی نوجوان

[www.bonyad-nojavan.ir](http://www.bonyad-nojavan.ir)